



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
مجلس شورای اسلامی

وضعیت نوین
فرهنگی، اجتماعی
مسلمانان بوسنی و هرزگوین

دکتر محمد جواد پیرمرادی

سلسله
نشست‌های
تخصصی

۲۹



وضعیت نوین فرهنگی، اجتماعی
مسلمانان بوسنی و هرزگوین

وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی مسلمانان بوسنی و هرزگوین

سخنران

دکتر محمدجواد پیرمرادی

پژوهشکده ارتباطات میان فرهنگی و بین الملل





وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی مسلمانان بوسنی و هرزگوین

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

سخنران: دکتر محمدجواد پیرمرادی

نوبت چاپ: اول - آبان ۱۳۸۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است:

در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

صندوق پستی ۶۴۷۴ - ۱۴۱۵۵ تلفن: ۸۸۹۱۹۱۷۷، دورنگار: ۸۸۸۹۴۰۷۶ Email: nashr@ricac.ac.ir

سخن ناشر

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در راستای اهداف و وظایف خود اقدام به برگزاری نشست‌هایی با موضوع‌های مختلف در حوزه فرهنگ، هنر و ارتباطات می‌نماید تا از این رهگذر فضای گفتگو و تبادل نظر میان نخبگان فرهنگی کشور، نقد و بررسی مسائل و مشکلات مبتلابه جامعه فراهم آید.

گزارش پیش‌رو، نتیجه نشست علمی - تخصصی است که از سوی گروه مطالعات فرهنگی جهان اسلام پژوهشکده ارتباطات میان فرهنگی و بین‌الملل در پژوهشگاه برگزار شده است.

یادآوری می‌شود، مطالب مطرح شده از سوی سخنرانان، لزوماً منعکس‌کننده دیدگاه‌های پژوهشگاه نیست.

مقدمه

مطابق سنت دیرینه، استعمار غرب که همیشه نگران استقرار و توسعه جوامع اسلامی است، برنامه‌های مفصلی در ابعاد و زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برای مقابله با آنان در دستور کار خویش قرار داده است. کنترل و مدیریت سیاسی و فرهنگی سرزمین بوسنی و هرزگوین و مسلمانان آن کشور از جمله اهداف استراتژیک غرب در این زمینه به شمار می‌رود. موقعیت جغرافیایی این کشور که نقطه حائل فرهنگی و تمدنی بین اسلام و غرب به شمار می‌رود، حساسیت آن را دوچندان کرده است. باز اندیشی دینی و علاقه مضاعف مسلمانان بوسنی و هرزگوین به دینداری و صیانت از ارزش‌های فرهنگی خود، مخالفان را به‌صورت جدی با چالش روبه‌رو ساخته است، به‌طوری که علاوه بر قتل عام و نسل‌کشی و حذف فیزیکی، از طریق برپایی جنگ داخلی و تضعیف صفوف مسلمانان (حسب عادت

۸ ■ سلسله نشست‌های علمی - تخصصی

سیاست‌های پیش)، آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر شاکله باقی مانده مسلمانان منطقه وارد ساخته است.

تقسیم‌بندی استعماری اقوام و ترسیم خطوط مرزی مصنوعی و بحران‌زا که رد پای آن از سال‌ها پیش در خاورمیانه به وفور قابل ملاحظه است، از دیگر ابزارهای رخنه در صفوف مسلمانان به‌شمار می‌رود.

«صلح دیتون» طرحی است که با تأکید بر آن سه قومیت را به دو منطقه حکومتی تقسیم و از این طریق عرصه را بر مسلمانان تنگ کرده و زیر سایه دیوان‌سالاری ناکارآمد ولی به ظاهر دموکراتیک و مدرن، هرگونه حرکت و پیشرفت را بر آنان سخت و ناممکن ساخته است.

بوسنی و هرزگوین از جمله سرزمین‌های جهان اسلام است که وقایع و حوادث آن در حوزه مطالعات گروه مطالعاتی جهان اسلام با هدف کمک به تصمیم‌گیری و دست‌اندرکاران حوزه فرهنگی کشور، بررسی و تحلیل مسائل و حوادث آن را در دستور کار خود دارد.

بررسی وضعیت نوین فرهنگی، اجتماعی مسلمانان بوسنی و هرزگوین عنوان نشست تخصصی است که با سخنرانی جناب آقای دکتر محمدجواد پیرمرادی ارائه می‌شود. شایان ذکر است سخنران محترم دارای سوابق ارزنده در حوزه مسائل سیاسی و فرهنگی بوسنی و هرزگوین‌اند.

پژوهشکده ارتباطات میان‌فرهنگی و بین‌الملل

گروه مطالعات جهان اسلام

وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی مسلمانان بوسنی و هرزگوین

دکتر محمدجواد پیرمرادی

به‌راستی مطالعه وضعیت فرهنگی بوسنی و هرزگوین برای ما چه اهمیتی دارد؟ شناخت هیچ جامعه‌ای بدون شناخت فرهنگ آن میسر نیست؛ زیرا انسان تنها نوع فرهنگی است. بنابراین برای شناخت یک ملت باید پایه‌های هویت او همچون: تاریخ، باورها، ارزش‌ها و سنت‌ها - یعنی فرهنگ او را - شناخت. فرهنگ‌ها که در طول تاریخ یک قوم شکل می‌گیرند، طرح‌هایی برای زندگی است. اگر مردم مسلمان بوسنی و هرزگوین به کمک ما نیاز دارند، اگر وظیفه اسلامی ما کمک به حفظ و تداوم بقای این ملت است، پس شناخت آن جامعه ضروری است. همه شواهد مؤید این است که هنوز وضعیتی که سبب شد ما به کمک این ستمدیدگان بشتابیم، بهبود نیافته است.

بوسنی و هرزگوین در یک منطقه حایل تمدنی واقع شده است. یکی از ویژگی‌های فرهنگی بوسنی و هرزگوین که ناشی از شرایط جغرافیایی - سیاسی این سرزمین است اینکه مسلمانان این منطقه در محاصره فرهنگ‌ها قرار دارند و شاهد رقابت‌های فرهنگی - تمدنی هستند. بوسنی و هرزگوینی‌ها همواره بین قدرت‌های رقیب قرار داشته‌اند. در دوران پیش از ورود اسلام، این سرزمین، منطقه حایل بین دو امپراتوری روم غربی و شرقی بود و با ورود اسلام، بوسنی و هرزگوین در نقطه برخورد امپراتوری عثمانی با قدرت‌های اروپایی قرار گرفت.

در دوران معاصر نیز این ویژگی‌های جغرافیایی در دوران پادشاهی یوگسلاوی (۱۹۴۰ - ۱۹۱۸م.) و جمهوری سوسیالیستی یوگسلاوی (۱۹۹۰ - ۱۹۴۵م.) تداوم یافت.

بوسنی و هرزگوین در خاک اروپا از معدود کشورهای اروپایی با جمعیت بومی مسلمان است و اینکه اسلام در این سرزمین مانند آلبانی ماندگار شده، تفاوت چگونگی ادراک فرهنگی این مردم را با همسایه‌های صرب و کروات نشان می‌دهد. تاریخ و جغرافیا برای بوسنیایی‌ها موقعیت چندان خوبی ترسیم نکرده است. منطقه بوسنی در دوره عثمانی به عنوان خط اول برخورد با غرب و در دوره حاضر به عنوان نقطه سبزی در دل اروپا یعنی خطر اسلام برای غرب قلمداد می‌شود. کمتر نقطه‌ای در اروپا چنین بی‌رحمانه از سوی همسایگان آن مورد تجاوز قرار گرفته است. تاریخ مدرن بوسنی با کنگره وین آغاز می‌شود و آن را باید آغاز زوال تدریجی توان و ظرفیت مسلمانان بوسنیایی و چرخش فرهنگی و تمدنی این کشور دانست.

این سرزمین افزون بر ویژگی‌های منفی جامعه و نخبگان آن مانند: فرصت طلبی سیاسی، بی‌اعتمادی از آینده سیاسی مستقل و خودکم بینی^۱، از ویژگی‌های مثبت

1. Mustafa Spahic, Zemlja bez rodnog lista, str.375.

وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی مسلمانان بوسنی و هرزگوین ■ ۱۱

فرهنگی و سیاسی نیز برخوردار است که به عنوان عاملی مهم، مانع از انهدام جامعه مسلمانان بوسنیایی شده است. مردمان این سرزمین قدرت تلفیق عناصر فرهنگی و تمدنی گوناگون را در درازنای تاریخ آموخته اند. از قدرت گزینش عناصر فرهنگی و جذب آن در چارچوب مفهومی به نام فرهنگ اسلامی برخوردارند. اسلام بوسنیایی علی‌رغم ارتباط‌های فرهنگی و تمدنی با غرب و مسیحیت، کمتر دچار التقاط شده و گرایش به اسلام سنتی و اصیل به عنوان یک گرایش مسلط در فرهنگ بوسنیایی دیده می‌شود؛ ولی فرهنگ بوسنیایی پس از قرن نوزدهم، از تولد و زایش خویش بازمانده و مقهور اقتدار غرب گردیده است. فرهنگ دینی معاصر، ترجمان و تبلور ضعف اندیشه و تفکری است که در طی دهه‌ها، مسیر حرکت و تعالی فرهنگ سازی را از دست داده است. ظهور طبقه جدید تحصیل کرده بوسنیایی در قرن بیستم، بار دیگر مسأله بازگشت به فرهنگ اصیل بوسنیایی و تلفیق فرهنگی و تمدنی را باز کرد و همین طبقه جدید نخبگان از عوامل مهم در نوزایش فرهنگی بوسنی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی هستند. این نخبگان فرهنگی، زمینه ساز حرکت‌های اجتماعی بودند که در اواخر دهه ۸۰ میلادی بروز یافت.

از نظر تاریخی، به‌طور کلی بالکان و به‌طور خاص بوسنی و هرزگوین، منطقه برخوردارها، رویارویی‌ها و چالش‌های بین فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف شرق و غرب است. جنگ داخلی دهه آخر قرن بیستم بین سه قوم صرب، کروات و مسلمان در بوسنی و هرزگوین نیز حکایت از رقابت تمدن‌های بزرگ اسلام، تمدن سرمایه‌داری غرب و تمدن اشتراکی شرق دارد و هرکدام از طرف‌های درگیر جنگ به پشتوانه عظیم تمدنی خود امید و اتکا داشتند. صرب‌ها از حمایت کلیسای ارتدوکس و قدرت سیاسی روس برخوردار بودند، کروات‌ها به پشتیبانی غرب

و کلیسای کاتولیک و مسلمانان به حمایت جمعیت یک میلیارد و دویست میلیونی جهان اسلام امیدوار بودند. رویارویی، برخورد و تعامل بین فرهنگ‌ها در این سرزمین، فرهنگ بوسنی و هرزگوین را به دلیل عناصرغنی، ذو ابعاد، متنوع، سازنده و تأثیرگذار آن - که زاینده دین اسلام است - از فرهنگ‌های مجاور متمایز ساخته است. تلفیق عناصر فرهنگی در بوسنی و هرزگوین از راه استفاده از منابع فرهنگی ترکی، عربی و ایرانی فراهم شده است.

فرهنگ ایرانی از دیرباز، به انجای گوناگونی وارد این منطقه شده و در هر دو دوره قبل و بعد از اسلام آثار مهمی بر ساختار فرهنگی و تمدنی منطقه بر جای گذاشته است. سابقه حضور زبان و ادبیات غنی فارسی در این منطقه از حضور دست کم شش قرنی فرهنگ ایرانی در بوسنی و هرزگوین پرده برمی‌دارد. فرهنگ مثنوی‌خوانی، نسخ خطی به زبان فارسی در کتابخانه غازی خسروبیگ سارایوو، ترجمه و تفسیر آثار دست اول ادبیات فارسی، همچون: گلستان و بوستان سعدی، مثنوی مولوی، بهارستان جامی، پندنامه عطار و دیوان حافظ به بوسنی و هرزگوین و تعداد زیاد نویسندگان بوسنی و هرزگوینی در قرن‌های ۱۵ تا ۱۸ میلادی - که آثار خود را به فارسی می‌نوشتند - همه نشان از تأثیر و حضور فرهنگ ایرانی بر مسلمانان این سرزمین دارد.^۱

نسل‌کشی تحمیل شده به مسلمانان بوسنی و هرزگوین در سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ م. سبب شد ایرانی‌ها بنا به فرهنگ اسلامی و ستم‌ستیزشان به منظور پشتیبانی همه جانبه از ستم‌دیدگان جنگ به بوسنی و هرزگوین بشتابند. بنابراین از زمان ورود اسلام به این سرزمین، اولین بار بود که ایرانی‌ها به‌طور مستقیم حامل فرهنگ خویش به بوسنی و هرزگوین شدند؛ وضعیتی که ناشی از آزادی و رهایی این کشور از پیکره

1. Fehim Nametak, Utjecaj Perzijsko-Islamske Kulture Na Književnost Bošnjaka u Osmanskom Periodu, Behharistan 1, P.13.

وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی مسلمانان بوسنی و هرزگوین ■ ۱۳

یوگسلاوی سوسیالیستی بود. دورانی که برای نخستین بار بوسنی و هرزگوینی‌ها دیگر تحت سلطه مستقیم قدرت خارجی نبودند، فضای جدیدی برای زندگی مردمان این سرزمین ایجاد شده بود.

در گذشته همواره دیگران فرهنگ ایرانی را با خود به منطقه آورده بودند، ولی این فرهنگ جای خود را در ذهن و قلب مردم باز کرده و تأثیر ماندگاری بر جای گذاشته است. اما این بار نسیم فرهنگ ایران اسلامی به صورت الگوهای مجسم از ایشار و مجاهدت مستقیم و بی‌واسطه بر روح و جان جوانان این دیار، وزیدن گرفت. آثار معنوی رفتارهای عینی کمک‌رسانان زمان جنگ، هیچگاه از یاد کسانی که با آنها مواجه شده‌اند، محو نخواهد شد و بلکه سینه به سینه منتقل خواهد شد.

اهمیت فرهنگ ایرانی برای بوسنی و هرزگوین مسأله‌ای ناشی از ضرورت‌های سیاسی و دینی دوران معاصر نیست، بلکه از نظر فرهنگی و تمدنی برای مسلمانان این کشور مهم است. فرهنگ بوسنی و هرزگوین در قرن‌های متمادی بویژه در دوران عثمانی متأثر از فرهنگ ایرانی بوده است. عثمانی‌ها، فرهنگ ایرانی را به بالکان آوردند و فرهنگ ایرانی از طریق زبان و ادبیات فارسی، فلسفه، عرفان و علوم دینی نقش ویژه‌ای در شکل دهی به فرهنگ بوسنی و هرزگوین داشته است. اکنون سعی مردم مسلمان بوسنی و هرزگوین تعریف هویت، منافع و جایگاه سیاسی و اقتصادی مناسب در جهان معاصر است و بنابراین در این مرحله هرگونه رابطه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آثار مهمی بر شکل‌گیری مفهوم جدید دولت و جامعه بوسنی و هرزگوین دارد.

روابط فرهنگی ایران با بوسنی و هرزگوین در سال‌های اخیر روند قابل رشدی داشته است. این روابط اهمیت خاصی در دوران جنگ و پس از آن داشته است و عاملی برای گسترش و تعامل فرهنگی دو ملت ایران و بوسنی و هرزگوین، شناسایی

فرهنگ ایرانی، معرفی دوباره منابع تفکر اسلامی و کمک برای بازسازی هویت اسلامی مردمان این سرزمین است. بررسی متناوب وضعیت فرهنگی بوسنی و هرزگوین همزمان با فعالیت‌های فرهنگی ایران اسلامی در آن کشور، زمینه کشف بازخورد و آثار کمی و کیفی این فعالیت‌ها را فراهم خواهد ساخت و قدمی در راستای بهره‌وری بیشتر از اقدام‌های فرهنگی و بهینه‌سازی آنهاست.

تعریف فرهنگ

فرهنگ را نمی‌توان تنها موضوع یک علم معین دانست، بلکه موضوع تمامی عرصه‌های علمی‌ای است که از انسان سخن می‌گوید. از میان تعاریف انبوهی که از فرهنگ وجود دارد، این تحقیق براساس این تعریف از فرهنگ صورت گرفته است: «فرهنگ مجموعه‌ای از دانش‌ها، باورها و خلق و خوها، هنرها، قوانین، سنن، عادات‌ها و آداب و رسوم و شکل‌های خاصی از زندگی است که افراد به عنوان عضوی از جامعه کسب می‌کنند»^۱.

البته فرهنگ در زبان فارسی کهن به معنای دانش و دانایی آمده است: «به خواستاری فرهنگ کوشا باشید. چه فرهنگ، تخم دانش است و برآن خرد است و خرد آرایش دو جهان است و درباره آن گفته‌اند که فرهنگ اندر فراخی پیرایه و اندر شگفتی یا سختی، پانه و نگهبان و اندر آستانه مصیبت دستگیر و اندر تنگی پیشه است»^۲.

اما فرهنگ در معنای امروزی‌اش بسیار گسترده‌تر از آن است که در فارسی کهن از آن مراد می‌شده است.

در این پژوهش، مفهوم فرهنگ و فعالیت‌های فرهنگی به آن دسته از فعالیت‌ها

1. Tylor, E. (1891:1964). Cultural Defined, in L.A. Coser and B. Rosenberg (eds) Sociological Theory (1964)

۲. محمود روح‌الامینی. مبانی انسان‌شناسی. تهران: انتشارات عطار، ۱۳۷۰.

وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی مسلمانان بوسنی و هرزگوین ■ ۱۵

اتلاق می‌شود که هدف آن تغییر و یا تثبیت باورها، گرایش‌ها، ارزش‌ها و امور معنوی در زندگی انسان‌هاست. برای تعیین وضعیت فرهنگ از این دیدگاه، به حوزه‌های فرهنگ‌ساز و همچنین قلمروهای رفتاری که بازخورد فرهنگ است، توجه می‌شود؛ یعنی بر عوامل مهمی چون: وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، سینما، تئاتر، ادبیات، موسیقی، معماری، تولد، وفات و ازدواج وعادت‌های خوراکی، پوشش و ... تأکید می‌شود. البته فرهنگ در زندگی اجتماعی انسان‌ها نمودهای مختلفی دارد. از دیدگاه پدیدارشناسی، ظهور و تبلور فرهنگ در عرصه‌های مختلف حیات انسانی گاه به صورت نمادین، نهادی، متبلور و یا به صورت فرهنگ عمومی، فرهنگ نخبگان و یا فرهنگ سیاسی مشاهده می‌شود. ولی ماهیت فرهنگ، رفتار، شیوه زندگی، تفکرات، عقاید و نهادهایی است که در یک جامعه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

بوسنی و هرزگوین و فرهنگ سیاسی آن

کشور بوسنی و هرزگوین کشوری واقع در اروپای جنوبی با مساحت ۵۱۱۲۹ کیلومتر مربع و جمعیت حدود ۴/۵ میلیون نفر است که پس از فروپاشی جمهوری سوسیالیستی فدراتیو یوگسلاوی سابق در سال ۱۹۹۲م. با مرکزیت سارایوو، اعلام استقلال کرد. بوسنی و هرزگوین کشوری دارای ترکیب‌های قومی متفاوت با اکثریت نسبی مسلمان است. براساس سرشماری، ۲۰۰۶م. از جمعیت چهارونیم میلیونی این کشور ۴۲ درصد مسلمان، ۱۵ درصد مسیحی کاتولیک کروات، ۳۱ درصد مسیحی ارتدوکس صرب هستند و ۱۴ درصد بقیه یا کسانی هستند که مایلند خود را یوگسلاو بنامند و یا پیروان دیگر ادیان و مکاتب می‌باشند. به دلیل قتل عام و نسل‌کشی وحشتناکی که صرب‌ها و کروات‌ها با پشتیانی صربستان و کرواسی در فاصله

سال‌های ۱۹۹۵ - ۱۹۹۲م. بر مسلمانان اعمال کردند و کشتار حدود دویست هزار نفری و مهاجرت بیش از یک میلیون نفری مسلمانان به خارج از کشور، با آنکه در مقایسه با سرشماری سال ۱۹۹۱م. جمعیت مسلمانان ۱/۷ درصد کاهش یافته است، اما همچنان اکثریت خود را حفظ کرده‌اند. اکثریت بودن جمعیت مسلمان براساس مدل دموکراسی اقتضای می‌کرد که مسلمانان پس از اعلام استقلال کشور بتوانند نظام سیاسی دلخواه خود را در منطقه مستقر سازند و این برای کسانی که دموکراسی را براساس منافع خویش تعریف می‌کردند، بسیار سنگین بود؛ به همین دلیل دیری نپایید که پس از اعلام استقلال، جنگ داخلی هولناکی را به این کشور نوپای با اکثریت مسلمان فاقد هرگونه امکانات دفاعی تحمیل کردند و تا زمانی که جنایتکاران توان جنایت داشتند، قدرت‌های بزرگ خارجی نظاره‌گر جنایت بوده و با سکوت خویش از سویی و با تحریم نظامی مسلمانان محاصره شده از سوی جنایتکاران و سلب هرگونه توان دفاعی از آنها از سوی دیگر زمینه را برای جنایت هر چه بیشتر فراهم ساختند. هنگامی که مسلمانان نیز بر اثر حمایت‌های بی‌دریغ جمهوری اسلامی ایران و بعضی کشورهای اسلامی دیگر، توانستند جان بگیرند و توان خویش را بازیابند و برنامه‌ریزی برای پس گرفتن زمین‌ها و مکان‌های از دسته رفته شروع شد، نظاره‌گران جنایت، صلحی را بر آنها تحمیل کردند که این صلح در واقع نتایجی را نهادینه کرد و رسمیت بخشید که جنایتکاران به دلیل آن جنگ و نسل‌کشی راه انداخته بودند. ساختار سیاسی کنونی این کشور بسیار پیچیده و برگرفته از مفاد قرارداد صلح دیتون است. براساس این قرارداد، بوسنی و هرزگوین به دو بخش جمهوری صربی و فدراسیون مسلمان - کروات، یعنی فرمول معروف دیتون «دو بخش و سه قومیت» تقسیم شده است و منطقه خودمختار نیز بخشی از این کشور است. حکومت مرکزی کشور مرکب از شورای ریاست جمهوری (متشکل از سه نماینده از سه قوم اصلی

وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی مسلمانان بوسنی و هرزگوین ■ ۱۷

یعنی مسلمانان، کروات‌ها و صرب‌هاست که به صورت چرخشی هر هشت ماه نماینده یکی از اقوام، رئیس شورای ریاست جمهوری است؛ این سه رئیس‌جمهور با رأی مستقیم مردم برای یک دوره چهار ساله انتخاب می‌شوند). شورای وزیران، مجلس نمایندگان و مجلس اقوام است. دیتون، بخش عمده اختیارات اجرایی را به بخش‌های فدراسیون (و مراکز استان‌ها) و جمهوری صرب تفویض کرده است. حکومت مرکزی از نظر بودجه به بخش‌ها وابسته است و از نظر اختیار نیز اقتدار کافی ندارد و قدرت بخش‌ها از قدرت حکومت مرکزی بیشتر است. همه قوانینی که در کشور وضع می‌شود بایستی از تصویب مجلس اقوام بگذرد و در صورتی که نمایندگان یک قوم مخالفت کنند، قانون مصوب مجلس نمایندگان اجازه اجرا نخواهد یافت. در صورتی که قانونی حالت اجرایی پیدا کند، نمایندگان صرب می‌توانند در همه نهادها مانع از اجرای آن شوند. برای نمونه، زمانی که «نیکولاشپریچ» نماینده صرب رییس شورای وزیران بود، به‌عمد مانع ابلاغ بسیاری از قوانین به وزارتخانه‌های مرتبط شد. با توجه به این روند در سال ۲۰۰۸ میلادی مسلمانان برای تغییر ریاست شورا اقدامی انجام دادند، ولی این تلاش به دلیل بایکوت صرب‌ها و تهدید آنها به انحلال دولت و تقاضا برای انتخابات زودرس ناکام ماند و بار دیگر اشپریچ به عنوان نماینده صرب‌ها در شورای وزیران باقی ماند. صرب‌ها می‌دانند هرگونه تحول و اصلاحات اساسی در ساختار دولت و بهبود فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی به ضرر جمهوری صرب است و این جمهوری تنها از طریق انزوا و طرد روند اصلاحات می‌تواند به حیات سیاسی خود ادامه دهد.

ساختار سیاسی - قومی به تقویت بیشتر ناسیونالیسم قومی منجر شده است. صرب‌ها و کروات‌ها که آرزوی الحاق بخش‌هایی از بوسنی به صربستان و کرواسی را دارند، با طرح مسائلی چون: ایجاد بخش سوم کروات و خودمختاری کامل

جمهوری صرب، جلوگیری از اجرای کامل قوانین و یکسان سازی کشور، تقویت افراط‌گرایی دینی ارتدوکس و کاتولیک، ایجاد تبعیض قومی در مناطقی با اکثریت صرب یا کروات، حمایت از سیستم تبهکاری و مافیایی برای حفظ قدرت نامشروع، فرار از قانون و ... به‌طور دائم در سیستم حکومت اختلال ایجاد می‌کنند تا زمینه پذیرش جدایی بخش‌های صرب و کروات از حکومت مرکزی بوسنی را فراهم سازند و یا اینکه اوضاع کنونی حکومت ناکارآمد و ضعیف فعلی را حفظ کنند.

ناسیونالیسم قومی به حکومت خانوادگی و مافیایی قدرت در تمامی بخش‌های قدرت منجر شده است. نهادهای عمده دینی از جمله کلیسای ارتدوکس، کلیسای کاتولیک و جماعت اسلامی در خدمت قدرت سیاسی احزاب حاکم قرار دارد و برای اینکه از مزایای قدرت بهره‌مند باشند، در توجیه حکومت خانوادگی و دولت‌های ناکارآمد نقش مؤثری ایفا می‌کنند. برای نمونه، کلیسای کاتولیک در منطقه هرزگوین، به بازیگر اصلی برای طرح جدایی کروات‌ها از مسلمانان در موستار و یا سایر شهرها تبدیل شده است و کلیسا بر ایجاد بخش سوم به عنوان عامل اصلی تأمین حقوق کروات‌ها تأکید می‌کند. «اسقف‌رآتکو‌پریچ»، رهبر کلیسای کاتولیک در منطقه هرزگوین مهمترین سخنگوی دینی جدایی و تجزیه است و موضع‌گیری‌های وی بیشتر بر «جدایی و عدم نیاز کروات‌ها به دیگران» تأکید دارد.^۱ البته کلیسای کاتولیک بوسنی و هرزگوین دارای موضع واحدی نیست و «کاردینال وینکو پولیچ» رهبر کاتولیک‌های بوسنی و هرزگوین بر تمامیت ارضی کشور و عدم تمایل به ایجاد بخش سوم کروات‌ها نظر دارد. کلیسای ارتدوکس صرب - همان‌گونه که در طی جنگ نقش مؤثری در توجیه نسل‌کشی و پاکسازی قومی داشت - پس از جنگ در کنار سیاست سنتی صرب‌ها ایستاده و از آن حمایت کرد. نقش بسزای کلیسای

1. http://www.katolici.org/dogadjanja.php?action=c_vidi&id=5307

وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی مسلمانان بوسنی و هرزگوین ■ ۱۹

ارتدوکس، ایجاد تفرق دینی از مسلمانان، تأکید بر وحدت سیاسی صرب‌ها و لزوم وحدت سرزمین مقدس صرب‌هاست. ناسیونالیسم قومی صرب و کروات آثار عمیقی بر ناسیونالیسم بوشنیاک گذارده و رشد ناسیونالیسم مسلمان تا حد زیادی واکنشی به قدرت صرب‌ها و کروات‌هاست. ناسیونالیسم بوشنیاک بر تعامل بین جماعت اسلامی و حزب اقدام دموکراتیک استوار بوده و ناکارآمدی بخش عمده‌ای از قدرت سیاسی مسلمانان به دلیل گردش بسته نخبگانی است که برای تصدی مسئولیت‌های سیاسی و اقتصادی آمادگی ندارند.

تجزیه داخلی کشور به رشد دیوان‌سالاری وسیع ناکارآمد انجامیده است. در بخش فدراسیون که با حاکمیت عمده مسلمانان و کروات‌ها روبه‌رو هستیم، افزون بر دولت فدراسیون، سطح دیگری از قدرت سیاسی در مراکز استان‌ها وجود دارد. هر کانتونی (استانی) دارای نخست وزیر و هیأت وزراست. دولت جمهوری صرب دارای ۱۹ وزیر و دولت فدراسیون دارای ۱۴ وزیر است. دیوان‌سالاری بخش عظیمی از بودجه را می‌بلعد. از بین رقم تقریبی ۴۰۰ هزار نفری که اشتغال به‌کار دارند، ۵۱ هزار نفر در بخش دولتی کار می‌کنند که این رقم شامل ۱۳ درصد می‌شود. بودجه سالیانه حکومت و دو بخش جمهوری صرب و فدراسیون بیش از ۴ میلیارد مارک است و یک سوم بودجه به بخش دولتی اختصاص دارد. «پدی اشدون»، نماینده سابق جامعه بین‌الملل در مجلس نمایندگان بوسنی و هرزگوین زمانی با اشاره به وضعیت بحرانی ساختار اداری کشور گفت: «بوسنی دارای ۱۲۰۰ قاضی و دادستان، ۷۶۰ نماینده مجلس، ۱۸۰ وزیر، ۴ سطح قدرت و ۳ ارتش در کشوری است که جمعیت آن بیش از ۴ میلیون نفر نیست. شما ۱۳ نخست وزیر دارید به‌طوری که برای هر ۳۰۰ هزار نفر جمعیت یک نخست وزیر دارید». ^۱ طبیعی است در شرایطی که ناشی از حکومت

۲۰ ■ سلسله نشست‌های علمی - تخصصی

خانوادگی مافیایی و قومی است، هیچیک از احزاب سیاسی برخوردار از قدرت در بخش مسلمان، صرب و کروات حاضر به تغییر و تحولات به سمت کاهش نهادهای موازی و قدرتمند دولت مرکزی نیستند.

همچنین با توجه به نوع ساختار قدرت که امکان توافق همه جانبه داخلی را برای تقویت حکومت و دولت مرکزی سلب می‌کند، مداخله جامعه بین‌الملل در شرایط فعلی به صورت یک ضرورت مطرح است تا بوسنی شاهد جنگ داخلی قدرت و تجزیه بیشتر نباشد. بدون حضور جامعه بین‌الملل نیز امکان جنگ و تنش دیگری هر چند کوتاه مدت بین صرب‌ها، کروات‌ها و مسلمانان احساس می‌شود. در صورت غیاب جامعه بین‌الملل، صرب‌ها با کمک روسیه می‌توانند به طرح سناریوهایی مانند سناریوی گرجستان و اعلام شناسایی جمهوری صرب به عنوان یک کشور مستقل پردازند.

ساختار سیاسی فاقد انسجام و ضعیف حکومت مرکزی و دولت‌های جمهوری صرب و فدراسیون، به عنصر مداخله خارجی مشروعیت بخشیده و جامعه بین‌الملل در بخش نظامی و غیرنظامی با توجه به قرارداد دیتون، از حق مداخله و نظارت برخوردار است. در بخش نظامی این وظیفه در حال حاضر به نیروهای اتحادیه اروپا واگذار شده و تحولات عمده‌ای برای تجدید ساختار نظامی و کاهش توان و نیروهای نظامی در منطقه بوسنی و هرزگوین انجام شده است. ارتش بوسنی و هرزگوین از نظر ساختار مرکب از ۳ ارتش مسلمان، کروات و صرب است که یک ستاد مشترک دارد. فرماندهی ارتش به عهده وزیر دفاع است که براساس قومیت به صورت نوبتی تعیین می‌شود و تعیین دو معاون از قومیت‌های دیگر، اجازه حاکمیت یک قوم را بر ارتش نمی‌دهد. هدف بلندمدت ارتش بوسنی و هرزگوین عضویت در پیمان ناتوست. بوسنی و هرزگوین عضو برنامه همکاری برای صلح است که

مقدمه‌ای برای عضویت این کشور به ناتو به شمار می‌رود.

در بخش غیر نظامی، اتحادیه اروپا از طریق نماینده خویش به عنوان نماینده جامعه بین‌الملل حضور دارد. نمایندگی جامعه بین‌الملل بی‌درنگ پس از عقد قرارداد دیتون تشکیل شد و برخلاف اختیارات ویژه‌ای که گروه تماس کشورهای غربی به نماینده جامعه بین‌الملل در بوسنی، در سال ۱۹۹۷م. در نشست «بن» داد، نمایندگی جامعه بین‌الملل در تغییر ساختار سیاسی - اقتصادی موفق نبوده و به صورت منفعل با مسائل کشور برخورد کرده است. نماینده جامعه بین‌الملل در واقع نماینده مجموعه‌ای از گرایش‌های سیاسی متفاوت و مختلف کشورهای اتحادیه اروپاست.

این کشور به دلیل سرنوشت محتوم سیاسی خود نتوانست هویت مستقلی در طول تاریخ ۵۰۰ سال اخیر داشته باشد. در دوران حکومت ۴۰۰ ساله عثمانی، حکومت ۴۰ ساله اتریش و مجارستان، حکومت پادشاهی یوگسلاوی و دوره ۴۵ ساله حکومت سوسیالیستی یوگسلاوی، بوسنی و هرزگوین بخشی از یک قدرت بزرگ بود و هویت مستقل سیاسی نداشت. بنابراین حاکمیت قدرت‌های بزرگ شرایطی ایجاد کرد تا مردم بوسنی و هرزگوین همواره از نظر سیاسی افراد فرصت طلبی باشند و خود را با شرایط تحمیل شده سیاسی وفق دهند. در دوره عثمانی، بوسنی و هرزگوین سرحد غربی حکومت عثمانی و نقش این منطقه دفاع از قلمرو حکومت عثمانی بود. زمین‌های بزرگ به عنوان اقطاع به اشراف اهل قلم و شمشیر، سیاستمداران و نظامیان عثمانی واگذار گردید. در دوره اولیه حکومت عثمانی شاید فرصت‌های بیشتری برای برخورد مناسب با مناطقی مانند آلبانی و بوسنی و هرزگوین وجود داشت، ولی از قرن ۱۷م. به بعد، حکومت عثمانی مرکزگراتر شد و رابطه خود را با مناطق انضمامی تغییر داد. حکومت عثمانی در قرن ۱۸م. به صرب‌ها خودمختاری داد، از مناطق کرواسی عقب نشینی کرد، ولی از پذیرش خودمختاری

بوسنی و هرزگوین به سال ۱۸۳۲م. سرباز زد. شکست قیام «حسین کاپیتان گراداشاتس» آخرین امید مردم بوسنی و هرزگوین را برای ایجاد یک دولت خودمختار در درون عثمانی از بین برد. شکست قیام گراداشاتس به دست عمال بومی حکومت عثمانی انجام گرفت. بنابراین تعجب آور نیست که به هنگام ورود اشغالگران اتریشی - مجاری به بوسنی و هرزگوین در سال ۱۸۷۵م، مقاومت‌های سراسری و مردمی وسیع صورت نگرفت و به جز زینتسا و سزایوو که مقاومت‌هایی در مقابل اشغالگران داشتند، بوسنی و هرزگوین به آرامی، اشغالگری اتریشی‌ها را پذیرفت.

دوره بعد از حکومت اتریش که دوران نفوذ صرب‌ها و کروات‌ها در حاکمیت سیاسی است، به نوعی تاکنون ادامه دارد. در طی ۸۰ سال گذشته صرب‌ها و کروات‌ها، بوسنی و هرزگوین را به منطقه نفوذ خود تبدیل کرده‌اند و تأثیر عمیقی بر ماهیت قدرت در این کشور گذاشته‌اند. جنگی که صرب‌ها در سال ۱۹۹۲م. به این کشور تحمیل کردند، جنگی برای تصاحب زمین‌های بیشتر و کاستن از جمعیت مسلمانان بود و کروات‌ها با کمی تأخیر به این روند پیوستند. واقعیت این است که در طول ۵۰۰ سال اخیر، بوسنی و هرزگوین کشوری اشغال شده بوده است. از این رو دولت جدید بوسنی و هرزگوین، علی‌رغم تجزیه درونی آن، اولین دولت مستقل بوسنی و هرزگوین بعد از گذشت ۵۰۰ سال است.

فرهنگ سیاسی بوسنی و هرزگوین در دوره جدید در حال شکل‌گیری و تعریف دوباره است. این فرهنگ با توجه به شرایط پیش آمده، در حال تغییر و دگرگونی است و زمان بسیاری لازم است تا همزمان با همگرایی بخش‌های فدراسیون و جمهوری صرب، کاستن قدرت نفوذ کرواسی و صربستان، رشد و توسعه مفهوم دولت و منافع ملی در بوسنی و هرزگوین، این فرهنگ نیز تغییر کند. اکنون

وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی مسلمانان بوسنی و هرزگوین ■ ۲۳

سیاستمداران بوسنی و هرزگوین رمز موفقیت خود را الحاق بوسنی و هرزگوین به اتحادیه اروپا می‌بینند. اگر این رؤیا محقق شود در آینده نزدیک فرهنگ سیاسی این کشور به ناگزیر در چارچوب منافع اتحادیه اروپا و ناتو شکل خواهد گرفت.

صرب‌ها و کروات‌ها، درک مناسبی از بوسنی و هرزگوین به عنوان دولت مستقل واحد ندارند و با فشار بلگراد و زاگرب، همواره درصدد تأخیر در توسعه سیاسی و اقتصادی این کشور هستند. اما عملیات تأخیری صرب‌ها و کروات‌ها در درازمدت ناگزیر به توقف است. صربستان و کرواسی برای ورود به اتحادیه اروپا بایستی رفتاری متناسب با چارچوب‌های این اتحادیه داشته باشند و با فشار آمریکا و اروپا، زاگرب و بلگراد ناگزیرند رفتار خود را در مقابل بوسنی و هرزگوین تغییر دهند و از نفوذ در عرصه سیاست و اقتصاد دست برداشته و فقط به حمایت مالی و معنوی از کروات‌ها و صرب‌ها در چارچوب‌های بوسنی و هرزگوین بپردازند.

فدراسیون و جمهوری صربی، سیستم‌های قضایی جداگانه‌ای دارد. یکی از نگرانی‌های اصلی امروز، پیگرد قانونی جنایتکاران جنگی است. دادگاه لاهه بعضی از جنایتکاران را محاکمه کرده است، ولی بسیاری از آنها هنوز تعقیب نشده‌اند. تابستان ۲۰۰۸م. صربستان تحت فشار اروپا و برای تسهیل پیوستن به اتحادیه اروپا «رادوان کارادزیچ» سردسته جنایتکاران جنگی بوسنی و هرزگوین را که مدت سیزده سال فراری بود، تحویل دادگاه لاهه داد. اما معاون وی، «ژنرال راتکو ملادیچ» همچنان در زندگی مخفی به سر می‌برد.

مسئله این است آیا مردم بوسنی و هرزگوین می‌توانند در چارچوب‌های جدید اتحادیه اروپا و ناتو به فرهنگ سیاسی خود به عنوان یک کشور مستقل بپردازند؟ به نظر می‌رسد بوسنی و هرزگوین اکنون فرصت‌های بیشتری برای تعریف یک کشور مستقل دارد؛ زیرا مهمترین شرط پیوستن به اتحادیه اروپا همین است. اروپایی‌ها در

عرصه بالکان، حرف اول را نمی‌زنند. بلکه آمریکا قدرت اصلی در منطقه بالکان است. استقلال کوزوو نشان داد که این کشور همچنان بازیگر اصلی است و حاضر به عقب‌نشینی از این منطقه نیست. از سوی دیگر، پشتوانه‌ای که بوسنی و هرزگوین در جهان اسلام دارد، مانع می‌شود تا بار دیگر این کشور عرصه تاخت‌وتاز صرب‌ها و کروات‌ها باشد و شاید بوسنی و هرزگوین استعداد مناسبی برای نفوذ بیشتر جهان اسلام در اروپا داشته باشد.

با وجود این نباید تجزیه داخلی بوسنی و هرزگوین را نادیده گرفت. صرب‌ها به دنبال کشاندن پای روس‌ها به منطقه هستند و چندین قرارداد مهم اقتصادی از قبیل تأسیس پالایشگاه نفت در این جمهوری را با روسیه امضا کرده‌اند. از سوی دیگر، کروات‌ها حمایت آلمان و اتریش را دارند. مسلمانان نیز از سویی به آمریکا به عنوان متحد اصلی خود در رقابت با سایر رقبای اندیشمند و از سوی دیگر نظر به کشورهای اسلامی دارند تا در بازسازی و سرمایه‌گذاری از حمایت مالی این کشورها برخوردار شوند. در سیاست خارجی اولویت دولت بوسنی و هرزگوین دو چیز بیش نیست و آن همگرایی در اتحادیه اروپا و حفظ رابطه خوب با آمریکا است. بوسنی و هرزگوین از کشورهای اسلامی به عنوان عنصر سوم در سیاست خارجی خود استفاده می‌کند و بهای به‌مراتب کمتری به کشورهای اسلامی می‌دهد. باید تلاش کرد تا اهمیت روابط با کشورهای اسلامی از جمله جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یک ضرورت حیاتی برای این کشور درک شود و این کشورها سهم و جایگاه مناسب‌تری در سیاست خارجی بوسنی و هرزگوین پیدا کنند. این مسأله می‌تواند به تغییر نگرش‌های فرهنگ سیاسی منجر شود. به نظر می‌رسد کشور ما باید از سرمایه‌گذاری اقتصادی به عنوان عنصری قوی در تغییر نگرش‌های سیاست خارجی استفاده کند. عملکرد فرهنگی نهادهای مختلف کشورمان در بوسنی و هرزگوین زمانی که پیوندهای سیاسی و

وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی مسلمانان بوسنی و هرزگوین ■ ۲۵

اقتصادی این کشور با جمهوری اسلامی ریشه‌دار شود، آثار بیشتر و پایدارتری خواهد داشت؛ زیرا از پشتوانه روانی بیشتری برخوردار خواهد بود. از سویی دیگر، حفظ دستاوردهای دوران جنگ که دوستی و پیوند عمیق دو ملت ایران و بوسنی و هرزگوین است، نیازمند سرمایه‌گذاری اقتصادی بیشتر کشورمان در این سرزمین است. سرانجام در آینده نه چندان دوری بوسنی و هرزگوین عضوی از اتحادیه اروپا خواهد شد و هرچه تلاش‌های فرهنگی ما از پشتوانه‌های نهادینه‌تر علمی و اقتصادی به صورت دانشگاه یا واحدهای اقتصادی بیشتر برخوردار باشد، برای ما کارکرد مطلوب‌تری خواهد داشت.

منابع طبیعی و اقتصادی بوسنی و هرزگوین

بوسنی و هرزگوین فقیرترین جمهوری یوگسلاوی سابق بود. سیاستی که پس از سیطره امپراتوری اتریش - مجارستان برای عقب‌نگه‌داشتن مسلمانان از قدرت سیاسی از طریق موانع اقتصادی اتخاذ شده بود، هیچگاه تا زمان استقلال و بلکه پس از جنگ از بین نرفت و حتی در زمان کمونیسم نیز این سیاست پیگیری می‌شد. مقایسه مناطقی که اکثریت صرب و کروات داشت با مناطقی که اکثریت با مسلمانان بود، اثبات کننده این ادعاست. بوسنی و هرزگوین سرزمینی است که به‌جز مناطق غربی نزدیک به سواحل دریای آدریاتیک و رودخانه نرتوا که آب‌وهوای مدیترانه‌ای دارد، بیشتر سرد و کوهستانی است، ولی به دلیل بارش برف و باران فراوان از نظر منابع آبی مانند دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و چشمه‌های آب معدنی غنی است. حدود نیمی از خاک کشور را جنگل‌های انبوه پوشانده است و یک چهارم آن برای کشاورزی مناسب و بقیه بایر است. در مناطق جنوبی‌تر مانند منطقه هرزگوین، ذرت، زیتون، انگور، توت، انجیر، انار، خربزه، پرتقال، لیمو، برنج و تنباکو کاشت می‌شود. منطقه

بوسنی و هرزگوین از مناطق عمده دامپروری محسوب می‌شود و دارای معادن متنوع، مانند: ذغال سنگ، آهن، مس، کروم، منگنز، نمک، روی و بویژه سنگ مرمر و دیگر سنگ‌های ساختمانی است. در گذشته اتکای بیشتر اقتصاد بوسنی بر کشاورزی بوده و از لحاظ درآمد سرانه ملی بسیار عقب‌تر از همسایگان بوده، اما به تدریج از اتکا به کشاورزی کاسته شده و به معادن و تولیدات صنعتی توجه بیشتری مبذول می‌شود. به دلیل جنگ‌های فراوان، صنعت چوب رونق خوبی دارد. با وجود این، آنچه در داخل تولید می‌شود کفاف نیازهای داخلی را نمی‌دهد؛ بنابراین برای تأمین باقیمانده نیازمندی‌های کشور، به واردات نیاز دارند. براساس اطلاعات اداره کل آمار BIH میزان واردات کشور تقریباً دو و نیم برابر صادرات در سال ۲۰۰۹م. است. این اداره میزان صادرات را ۳،۵۲۹،۵۰۰،۰۰۰ مارک و میزان واردات را ۸،۰۱۹،۲۸۴،۰۰۰ مارک اعلام کرده است. پس این کشور در قیاس با همسایگانش همچنان از لحاظ اقتصادی ضعیف‌تر و قدرت خرید مردم در میان کشورهای همسایه از همه پایین‌تر است. اداره استاندارد قدرت خرید اروپا، میانگین قدرت خرید بیست و هفت کشور اروپایی را واحد پایه قدرت خرید و عدد ۱۰۰ قرار داده است. براین مبنا قدرت خرید در بوسنی و هرزگوین ۳۰ است. درحالی‌که در اسلونی ۹۵، در کرواسی ۶۳، در صربستان ۳۷ و در مونته‌نگرو ۴۶ است. تنها در میان کشورهای بالکان، آلبانی از بوسنی و هرزگوین فقیرتر است. قدرت خرید در آلبانی ۲۵ است.^۱

در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵م.، ۸۰ درصد تولیدات صنعتی به دلیل جنگ تعطیل شد و با آنکه در طی سال‌های پس از جنگ این کارخانه‌ها دوباره احیا شدند، ولی درآمد ناخالص ملی سالانه هنوز کمتر از سال ۱۹۹۰م. است. درآمد ناخالص ملی برای هر نفر در سال ۲۰۰۸ در بوسنی و هرزگوین ۴۸۱۴ دلار بوده است. با آنکه براساس

وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی مسلمانان بوسنی و هرزگوین ■ ۲۷

اطلاعات اداره کل آمار BIH تعداد بیکاران در سه سال متوالی ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹م. رو به کاهش بوده است.^۱ اما همچنان نرخ بیکاری بالاست. میانگین نرخ بیکاری حدود ۴۴ درصد است.^۲ نرخ بالای بیکاری سبب بالا رفتن آمار بزهکاری، دله دزدی و دزدی ماشین در بوسنی و هرزگوین شده است. در سال ۱۹۹۸ واحد پولی این کشور از دینار که ارزش آن بر اثر تورم ناشی از جنگ بسیار کاهش یافته بود، به واحدی به نام Konertabel Mark تبدیل شد که با مخفف KM معروف است.

محصولات کشاورزی تولیدی برای مصارف داخلی شامل: ذرت، جو، گندم، سیبزمینی و انواع میوه است. صنایع اصلی و عمده نیز عبارت است از: استخراج ذغال سنگ، سنگ معدن، سرب، موتاژ وسایل نقلیه، منسوجات و صنایع داخلی، پالایش نفت و تدارک‌های نظامی. بسیاری از ظرفیت‌های تولید از دهه ۹۰ ناپود یا تعطیل شده است. نرخ رشد منفی صنایع کشور ۵ تا ۱۰ درصد است.

واردات عمده عبارت است از: مواد خام، سوخت‌های فسیلی و کالاهای مصرفی. صادرات اصلی نیز شامل: ماشین، پوشاک، کفش و محصولات شیمیایی است.

شرکای عمده تجاری، جمهوری‌های دیگر یوگسلاوی سابق و جوامع اروپای غربی هستند. در اثنای جنگ صربستان و کرواسی به منظور مقابله با اقتصاد این کشور محدودیت‌های تجاری شدیدی برای آن ایجاد کردند.

در دوران کمونیسم، ترکیب نیروی کار از کشاورزی به صنعتی تغییر کرد. بیشتر شغل‌های دولتی با وجهه بالاتر، رابطه‌ای بود. امروزه با آنکه پس از جنگ، اقتصاد در حال بهبود است، هنوز در بسیاری از زمینه‌ها شغل مناسب یافت نمی‌شود، مگر اینکه رابطه و آشنایی در میان باشد.

۱. تعداد بیکاران بوسنی و هرزگوین در سال ۲۰۰۷، ۵۲۹۶۴۴ نفر و در سال ۲۰۰۸، ۴۹۳۹۶۷ نفر و در سال ۲۰۰۹، ۴۹۰۷۶ نفر بوده است.

۲. برای اطلاعات جزئی‌تر به www.bhas.ba رجوع کنید.

قبل از جنگ جهانی دوم دهقانان اصلی‌ترین پایه اجتماع بودند. کارمندان دولت کمی پایگاه بالاتری داشتند و صاحبان حرفه‌ها، بازرگانان و صنعتگران در طبقه میانه بودند. در دوران کمونیسم، تحصیلات، عضویت حزب کمونیست و صنعتی شدن سریع زمینه ارتقا به طبقات بالاتر را فراهم کرد و بیشتر مردم، زندگی به نسبت راحتی داشتند.

جنگ داخلی سطح استاندارد زندگی را به شدت پایین آورد و کمبود و تورم سبب شد بسیاری از احتیاج‌های ضروری، در دسترس نباشد. این امر تفاوت طبقاتی شدید فقیر و غنی را در جامعه ایجاد کرد. کسانی که توانایی خرید داشتند کالاهای کمیاب را ذخیره و به قیمت سرسام‌آور می‌فروختند و بدین ترتیب فقیران فقیرتر و ثروتمندان دارا تر شدند. هر چند جنگ سبب شد عده‌ای نیز ثروت خود را از دست داده و فقیر و بیچاره شوند.

اسلام و مسلمانان در بوسنی و هرزگوین

گرچه سند مکتوبی مبنی بر وجود اسلام در بوسنی و هرزگوین قبل از حضور عثمانی‌ها وجود ندارد، ولی از روی بعضی منابع می‌توان وجود اسلام را در بین اقوام اسلاو پیش از مسیحی شدن آنها حدس زد. براساس این اسناد در شمال شرقی بوسنی و هرزگوین در مناطقی مانند سیریم و ماچوا مسلمانانی زندگی می‌کردند که به خالصیه یا کالویه شهرت داشتند. هم اکنون نیز در این مناطق محلی به نام کالویه در نزدیکی ایزورنیک وجود دارد. از شخصی به نام «ساری سالتوک» به عنوان مبلغ خستگی ناپذیر اسلام قبل از ورود عثمانی‌ها نام برده‌اند.^۱ یکی از اهداف مهم تهاجم سال ۱۹۹۲م. به بوسنی و هرزگوین، نابودی آثار فرهنگی، نشانه‌ها و بنیادهای هویتی

۱. حسین اکبری، بوسنی و هرزگوین در گذر زمان، ص ۶۷-۶۶.

مسلمانان بویژه کتاب‌ها و اسناد تاریخی بوده است و چون تمام اسناد مسلمانان در محدوده جغرافیایی بوسنی و هرزگوین نگهداری می‌شد در این تهاجم نابرابر در آتش کینه دشمنان یا سوخته و یا به غارت رفته است. ده‌ها هزار جلد کتاب و نسخ خطی در کتابخانه ملی و کتابخانه مؤسسه شرق‌شناسی ساریوو توسط صرب‌ها طعمه شعله‌های آتش گردید. به همین دلیل اسناد و منابع علمی دقیق و دست اول برای بیان تاریخ اسلام در بوسنی و هرزگوین وجود ندارد و اکنون پس از جنگ، استادان جوان به جمع‌آوری و نگارش تاریخ مسلمانان اهتمام می‌ورزند.

آنچه مسلم و معروف است از زمان تسلط امپراتوری عثمانی در سال ۱۴۶۳م. تا کنون، اسلام دین اکثریت مردم این منطقه بوده است. اسلام در بوسنی و هرزگوین همیشه با دو برداشت عرفانی و شریعت‌گرا در بین عده زیادی از مردم، نفوذ و رواج داشته است. مسلمانان بوسنی و هرزگوین در شریعت، حنفی و در طریقت، پیروان نقش بندیه، عبدالقادر گیلانی و مولانا جلال‌الدین رومی هستند و از لحاظ کلامی از دیدگاه‌های ابوالحسن اشعری و ماتریدی پیروی می‌کنند.

در کنار ورود عثمانی‌ها به بوسنی و هرزگوین و گسترش اسلام، تمدن جدیدی نیز در این منطقه براساس فرهنگ اسلامی شکل گرفته است که نشان دهنده نقش دین اسلام در تمدن سازی است. همزمان با توسعه فرهنگ اسلامی، علم و ادبیات نیز در بوسنی و هرزگوین رشد یافت. معماری اسلامی باقیمانده از آن دوران که توسط افراد سرشناسی مانند غازی خسرو بیک و فرهادبیک سوکولوویچ - مؤسس مسجد فرهادبیک در بانیالوگا که در زمان جنگ توسط صرب‌ها ویران شد - محمدبیک (قره توزیگ) - بانی مسجد موستار - و برادرش رستم پاشا - مؤسس مرکز تجاری باش چارشیا(به معنای سرچاربازار درفارسی) در ساریوو - همه نشان دهنده تأثیر اسلام بر تمدن سازی است. وجود صدها مسجد و مدرسه با معماری بی‌نظیر، نشان دهنده

اهمیت دادن اسلام به مقوله علم در کنار عبادت برای تربیت انسان‌هاست. با گسترش اسلام در بوسنی و هرزگوین کتاب‌های زیادی از زبان‌های فارسی، ترکی و عربی به بوسنی و هرزگوین وارد شد و کتابخانه‌های بسیاری تأسیس شد که از جمله می‌توان به کتابخانه غازی خسروبیگ اشاره کرد. از جمله اماکن تجاری که در بوسنی و هرزگوین در قرن‌های ۱۵ و ۱۶ اوج دوران اقتدار اسلام در بوسنی و هرزگوین ساخته شده است، بازار صنعتگران است. سه بازار از این نوع در سارایوو وجود داشته که بازار بروسا و غازی خسروبیگ همچنان فعال است. بعضی پل‌هایی که در این دوران ساخته شده از شاهکارهای معماری اسلامی است که می‌توان به پل «استاری موس» بر روی رودخانه نرتوا در شهر موستار اشاره کرد که در زمان جنگ توسط کروات‌ها منهدم و بعد از جنگ دوباره با همان نقشه قبلی بازسازی گردید و توسط سازمان ملل، از آثار بین‌المللی شناخته شد.^۱

مردم بوسنی و هرزگوین پیش از ورود اسلام، مسیحی بودند و کلیسای خاص خود را داشتند. این کلیسا به نسبت مستقل ولی از سوی ارتدوکس‌ها و کاتولیک‌ها در فشار بود. اتهام بی‌دینی و انحراف انگیزه‌ای بود تا پاپ در قرن دوازدهم میلادی گروهی از مسیحیان فرقه فرانسیس کن را به بوسنی و هرزگوین اعزام کند تا درباره راست دینی مردمان این سرزمین تحقیق کنند.

عده‌ای از محققان معتقدند کلیسای بوسنی و هرزگوین متأثر از آیین بوگومیلیسم بود که از بلغارستان وارد این سرزمین شد و برخی دیگر از محققان برآنند که کلیسای بوسنی و هرزگوین بومی، ولی آمیزه‌ای از مسیحیت و آیین مانویت بود.^۲

مشخصه اصلی کلیسای بوسنی و هرزگوین از دیدگاه سیاسی وابسته نبودن آن به

1. http://en.wikipedia.org/wiki/Culture_of_Bosnia_and_Herzegovina

2. Babic, Iz istorije srednjovjekovne Bosne, Sarajevo 1963, p.190

وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی مسلمانان بوسنی و هرزگوین ■ ۲۱

کلیسای ارتدوکس و کاتولیک بود و دیدگاه‌های کلامی و الهیاتی کلیسا باور به نوعی مسیحیت اولیه بود. این باور وجود دارد که بوسنی و هرزگویی‌ها عقیده به اقوم‌های سه‌گانه نداشتند و نوعی باور توحیدی در بین آنها رایج بود. از این‌رو اسلام به سرعت در بوسنی و هرزگوین بدون جنگ و خونریزی گسترش یافت. پیروان کلیسای بوسنی و هرزگوین دعوت دین جدید را به‌سرعت پذیرفتند و در گسترش و بومی‌سازی آن نقش مهمی ایفا کردند.

دوره عثمانی بوسنی و هرزگوین از سال ۱۴۶۲م. آغاز و در سال ۱۷۸۵م. رسماً پایان می‌پذیرد. در این دوره شاهد رشد و اعتلای فرهنگ و تمدن در این سرزمین هستیم و بوسنی و هرزگویی‌ها جایگاه مهمی در فعالیت فرهنگی این حکومت دارند. فعالیت بوسنی و هرزگویی‌ها در دوره اول حکومت عثمانی درخشان و برجسته است و این دوره از قرن ۱۵ تا ۱۷م. به‌طول می‌انجامد؛ ولی در دوره دوم با افول نقش بوسنی و هرزگویی‌ها در حکومت عثمانی، به‌تدریج شاهد افول نقش فرهنگی و علمی آنان هستیم.

اشغال بوسنی و هرزگوین به سال ۱۷۸۵م. به دست حکومت اتریش - مجارستان، آغاز دورانی است که چرخه فرهنگی و تمدنی از اسلام به غرب تغییر می‌کند و غربی‌سازی فرهنگ بوسنی و هرزگوین آغاز می‌شود. اتریشی‌ها در طول ۴۰ سال حاکمیت خود نهادهای مدرن غربی را وارد این سرزمین می‌کنند: مدارس جدید، دانشگاه‌ها، نهادهای تحقیقاتی، کارخانه‌ها، تغییر در شیوه شهرسازی، راه‌سازی و ... در طی این دوره بوسنی و هرزگویی‌ها را با فرهنگ و تمدن غربی آشنا می‌سازد. چون حکومت اتریش می‌دانست مبارزه مستقیم با اسلام در بوسنی و هرزگوین مسلمانان را در فرهنگ خودشان پایدارتر می‌سازد، به مبارزه مستقیم با فرهنگ اسلامی بوسنی و هرزگوین نپرداخت؛ بلکه با نهادینه ساختن فرهنگ غربی از طریق

گسترش فرهنگ کاتولیکی، تضعیف نخبگان مسلمان و غربی سازی کل جامعه، به یک حرکت خزنده فرهنگی علیه فرهنگ اسلامی همت گماشت. حکومت اتریشی خواستار قطع وابستگی معنوی و فکری بوسنی و هرزگوین با عقبه فرهنگی آنها یعنی حکومت عثمانی بود؛ از این رو به بهانه استقلال، عالمانه به تأسیس مدارس شرعی و تربیت قضات در شهرهایی نظیر سارایوو و موستار پرداختند تا آموزش نیروها در خود بوسنی و هرزگوین صورت گیرد نه در استانبول. محاکم شرعی و عرفی در کنار محاکم دولتی برجای خود باقی ماندند و در مدارس افزون بر آموزش علوم مدرن، آموزش دینی نیز گنجانده شد. مسلمانان در ظاهر به تدریج دارای یک نوع خودمختاری دینی و فرهنگی شدند؛ ولی از سوی دیگر، موقعیت سیاسی و اقتصادی آنها تضعیف شد. اصلاحات ارضی اتریشی‌ها به نفع زمین‌داران جدید کاتولیک و ارتدوکس و به ضرر زمین‌داران مسلمان تمام شد و در صحنه مدیریتی، حکومت اشغالگر مسئولیت‌های مهم را به مسیحیان واگذار کرد.

اما فرهنگ کمونیستی که به صورت نهادینه از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۹۰م. در این کشور به صورت مسلط حاکم شده بود، به فرهنگ سازی خاصی اقدام کرد که در مخالفت کامل با فرهنگ اسلامی بود. کمونیست‌ها برای اینکه به هدف خود برای ایجاد جامعه‌ای غیردینی و حتی ضددینی نایل شوند، از ابتدا مبارزه وسیعی با نهادهای دینی آغاز کردند و در این زمینه برای آنها مسلمانان، کاتولیک‌ها و یا ارتدوکس‌ها فرقی نداشتند. ولی مقاومت‌های مردمی و تلقی متفاوت تیتو از کمونیسم و شرایط سیاسی و ژئوپولیتیک یوگسلاوی باعث شد تا پس از یک دهه اعمال فشار و خشونت از سوی کمونیست‌ها، به تدریج یک نوع کمونیسم میانه‌رو حاکم شود. نشانه این مسئله پذیرش هویت‌های قومی از سوی دولت مرکزی بود و خودمختاری فرهنگی در عمل به آزادی عمل نسبی نهادهای دینی منجر شد. ولی فرهنگ کمونیستی از

طریق رسانه‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها و زندگی اجتماعی تبلیغ می‌شد و آثار عمیقی بر رفتارها و گرایش‌های فردی و اجتماعی بوسنی و هرزگوینی‌ها گذاشت.

بنابراین فرهنگ بوسنی و هرزگوین سه سنت اسلامی، غربی و کمونیستی را تجربه کرده است. اما اکنون کمونیسم قدرت خود را برای فرهنگ‌سازی از دست داده و تنها بقایای فرهنگی آن به شکل هنرمندان، استادان و یا به شکل نگاه‌ها و گرایش‌های کمونیستی و سوسیالیستی احزابی مانند حزب سوسیال دموکرات وجود دارد و به تدریج با گذشت زمان، این نوع تفکرها و گرایش‌ها قدرت خود را از دست می‌دهد و فرهنگ غربی نیز در جوهر خود با فرهنگ کمونیستی فرقی ندارد، بلکه می‌توان گفت کمونیسم محصول فرهنگ و اندیشه‌های مادی‌گراانه غربی‌هاست و این فرهنگ آماج انتقادهای فیلسوفان پست مدرن حق‌گرا قرار گرفته است و پوچی و بی‌هویتی، کمترین میوه ممنوعه این فرهنگ است. در این میان تنها گزینه‌ای که برای مسلمانان می‌ماند بازگشت به فرهنگ انسان‌ساز اسلام و تقویت هویت خویش به‌وسیله آن است.

بنابراین یکی از مسائل مهم فرهنگی جامعه بوسنی و هرزگوین، درک آنان از اسلام و غرب است؛ اینکه چگونه می‌توانند با اسلام هویت خویش را حفظ کنند و دیگر اینکه چگونه می‌توانند پاسخی اسلامی برای مشکل انسان معاصر بیابند. فرهنگ اسلامی این سرزمین از گذشته بر وحدت شریعت و طریقت استوار بوده است، ولی تفکر مسلط دینی این کشور در حال حاضر برگرفته از این سنت دینی نیست و به شدت متأثر از اسلام «اخوان المسلمین» و سلفی‌گری است. «جماعت اسلامی» بوسنی و هرزگوین که رسالت پاسداری رسمی از اسلام را دارد، دستگاه وسیع‌اداری است که قدرت و توان بازسازی معنوی و فکری جامعه را ندارد. جماعت اسلامی با آنکه در عمل با استفاده رسمی از مساجد می‌تواند بر فرهنگ جامعه در حد قابل قبولی

تأثیرگذار باشد، اما نقش و حضور فرهنگی آن در جامعه رضایت‌بخش نیست و بسیاری از افندی‌ها جز برگزاری نماز جماعت و حضور در مراسم کفن و دفن، کار دیگری نمی‌کنند؛ خطبه‌های نمازجمعه بیشتر فارغ از عنصر زمان و مکان و براساس متنی قدیمی همواره تکرار می‌شود؛ این در حالی است که براساس فقه حنفی، حضور در نمازجمعه بر مردان واجب است و همین امر سبب حضور گسترده مردان در نمازجمعه در بیشتر مساجد و فرصتی مناسب برای بهره‌برداری فرهنگی است، ولی جز تعداد اندکی از ائمه‌جمعه از آن استفاده نمی‌کنند. «جماعت اسلامی» در زمان جنگ بازوی مناسب دینی برای حزب اکثریت مسلمانان بود و در آن زمان این نقش به‌خوبی ایفا شد، ولی پس از مرگ علی عزت بگوویچ (رهبر کاریزمای مسلمانان در دوران جنگ و اولین رئیس شورای ریاست جمهوری بوسنی و هرزگوین بعد از پیمان صلح دیتون) تغییرات عمده‌ای در شکل‌گیری احزاب و نهادهای سیاسی و دینی پدید آمد. حزب «اقدام دموکراتیک» مهمترین حزب سیاسی مسلمانان، اهمیت سابق خود را از دست داد. موقعیت طبیعی این حزب در زمان جنگ که بسیج مردم از طریق مساجد بود، بعد از جنگ به یک حزب معمولی تغییر یافت؛ حزبی که طبیعتاً خواهان سهم بیشتر در قدرت سیاسی است. «جماعت اسلامی» نیز به تدریج از شکل حمایت آشکار حزب سیاسی مسلمانان دست کشید و کم‌کم مواضع آن متأثر از کمک‌های کشورهای عربی، رنگ عربی سلفی به‌خود گرفت؛ همچنین برای جلب رضایت غرب، منفعانه در صدد طرح یک برداشت نو از اسلام زیر نام اسلام اروپایی بود.

«جماعت اسلامی»، عهده‌دار بیشترین مسئولیت در زمینه گسترش فرهنگ اسلامی در این کشور است. «جماعت اسلامی» مبلّغ و پاسدار فقه حنفی با تأکید بر ویژگی‌های فرهنگی مردم بوسنی و هرزگوین است. عمده‌ترین تکیه‌گاه مالی «جماعت اسلامی»، کشورهای عربی هستند. «جماعت اسلامی» مانند یک وزارتخانه

وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی مسلمانان بوسنی و هرزگوین ■ ۲۵

مستقل غیر دولتی عمل می‌کند. تمامی روحانیان، مدرسان و کارمندان، حقوق‌بگیر «جماعت اسلامی» هستند. «جماعت اسلامی» بر فعالیت دست‌کم ۱۲۰۰ مسجد نظارت می‌کند. در شهر سارایوو حدود ۱۰۰ مسجد وجود دارد که حداقل ۶۰ مسجد دارای روحانی حقوق‌بگیر است. «جماعت اسلامی» دارای نهادهایی آموزشی، چون: دانشکده علوم اسلامی سارایوو، دانشکده تربیت اسلامی زیتسا، دانشکده تربیت اسلامی بیهاچ، ۱۲ دبیرستان پسرانه و دخترانه و مؤسسه‌های دیگر است. چرخش مالی این مجموعه بزرگ نیاز به هزینه‌های زیادی دارد. متأسفانه «جماعت اسلامی» از اوقاف به‌درستی استفاده نمی‌کند و تفکر اقتصادی برای خودکفایی مالی در این نهاد وجود ندارد. ولی باتوجه به علاقه دولت‌ها و مؤسسه‌های غیردولتی کشورهای عربی، برای آن به اندازه کافی پول وجود دارد. این وضعیت مالی وابستگی شدید «جماعت اسلامی» را به کشورهای عربی به‌دنبال دارد، به‌طوری‌که این وابستگی آثار فکری، فرهنگی و تمدنی در گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی مسلمانان بوسنی و هرزگوین دارد. یک نمونه بارز آن حمایت عربستان سعودی از بازسازی مساجد بوسنیایی است. اما آنها در بازسازی مساجد، به معماری بومی مساجد بوسنیایی توجه نمی‌کنند و حتی برای تخریب آثار هنر اسلامی این مساجد می‌کوشند. در این زمینه «جماعت اسلامی» نیز تسامح زیادی نشان می‌دهد.

فرهنگ مسلمانان بوسنیایی از نظر سنتی دنباله فرهنگ اسلامی دوران عثمانی است. بوسنیایی‌ها برای عثمانی‌ها نقش نجات‌بخش و مقدس قائل‌اند. علمای مسلمانان بوسنیایی به دلیل پیروی بیشتر آنها از ابوالحسن اشعری در مسائل کلامی، به ایمان‌گرایی، بیش از عقل‌گرایی توجه دارند. به نظر می‌رسد رخوت فکری دانشمندان بوسنیایی به دلیل بی‌توجهی به تفکر عقلانی و روحیه جبرانگاران، عامل دیگری برای تسلیم در مقابل جریان‌های فرهنگ غربی در این کشور است و فرهنگ معاصر

بوسنیایی در حد امکان سعی در نمونه‌برداری از فرهنگ غربی دارد. تفکر دینی بوسنیایی قدرت پاسخگویی به چالش‌های فرهنگی غربی ندارد و با محدودسازی و ایمان‌گرایی، سعی در حفظ ارزش‌های دینی دارد. تفکر اسلامی در بوسنی و هرزگوین تفکر پویا و زنده‌ای نیست. جلوه ضعیف تفکر اسلامی، در مقابل حضور اندک متفکران متعهد و حضور پررنگ گرایش اهل حدیث و سلفی‌گری و حضور قوی نهادهای مدرن فرهنگی غرب‌گرا دیده می‌شود. به نظر می‌رسد برای جبران این نقیصه بیش از همه باید در جستجوی راه‌هایی بود تا در بلند مدت، انسان‌های مؤمن و متخصص در زمینه علوم انسانی از قبیل: فلسفه الهی، الهیات، تاریخ، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی دینی تربیت شوند. این نوع نگاه بایستی با تأسیس نهادهای نوین برای آموزش در سطح دانشگاه همراه باشد. مسلمانان عمدتاً در فضای تحمل عقاید پیروان ادیان دیگر و همزیستی مسالمت آمیز با آنها قرار دارند. فرهنگ سنتی مسلمانان، قرن‌ها بر اصل پذیرش اهل کتاب و ایجاد روابط مسالمت آمیز با آنها تأکید داشته است.

در این فضای فرهنگی، می‌توان از عملکرد تصوف در بین مسلمانان و فرقه «فرانسیس کن» در بین مسیحیان کاتولیک و یا از روشنفکران و روحانیان مستقل و متعهدی یاد کرد که تا حد بسیاری از لوازم پیوند فرهنگی و همزیستی در جامعه بوسنی و هرزگوین است. صوفیان بوسنیایی با تأکید بر لزوم عمل به اسلام، پرهیز از قرارگرفتن در معرض ایدئولوژی‌های غربی، همچون لیبرالیسم و کمونیسم، از منتقدان جدی گرایش وهابیت و ناسیونالیسم قومی محسوب می‌شوند. فرانسیس کن‌های منطقه بوسنی نیز به شدت در مقابل گرایش‌های تجزیه‌طلبانه کروات‌های هرزگوین و یا فعالیت جنبش‌های جدید مذهبی نظیر «شاهدان یهوه» ایستاده‌اند و پیوند فرهنگی کاتولیک‌ها با دیگر شهروندان بوسنیایی را ممکن می‌دانند. «صوفی‌ها و فرانسیس

وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی مسلمانان بوسنی و هرزگوین ■ ۲۷

کن‌ها، دو عامل مهم در همزیستی پیروان ادیان بوسنی و هرزگوین هستند.^۱ و چنین فضایی برای تداوم حیات اجتماع مسلمانان و حفظ عقاید در منطقه‌ای که دشمنان مسلمانان همواره در جستجوی فرصت برای روشن و شعله‌ور کردن آتش کینه و جنگ هستند، ضروری است. مسلمانان برای نهادینه شدن سیاست در بوسنی و هرزگوین به شدت نیازمند آرامش و صلح هستند و فرصت زمانی برای آنها بسیار مهم است؛ به همین دلیل تلاش دشمنان آنها، گرفتن زمان و همچنین آرامش از آنهاست.

تصوف و نقش فرهنگی آن

تفسیر و برداشتی که «جماعت اسلامی» از اسلام ارائه می‌دهد، تفسیر رسمی و مورد قبول عامه مردم است. اما درون سیستم «جماعت اسلامی» نباید از نقش تصوف، وهابیت، گروه‌ها و جریان‌های کوچک‌تر در فرهنگ‌سازی غافل شد. تصوف و وهابیت رو در روی یکدیگر قرار دارند. عرفای بوسنی و هرزگوین از حیث تدین، پیشینه، اعتبار و مقبولیت بیشتری در نزد مردم دارند و نشانه‌های صوفیانه در فرهنگ بوسنیایی به‌وفور دیده می‌شود. تصوف، پل و عامل ارتباطی فرهنگی بوسنی با فرهنگ ایرانی و ترکی است. علی‌رغم آنکه ترکان عثمانی، پایه‌گذار و یا زمینه‌ساز ایجاد فرقه‌های تصوف در بوسنی بودند، ولی با این حال اندیشه ایرانی منبع الهام بخش فکری تصوف بوسنیایی باقی‌ماند و هم اکنون نیز این عنصر، تداوم خویش را حفظ کرده است و تصوف در این منطقه با اندیشه تاریخی و یا معاصر ایرانی تغذیه می‌شود.

1. Nedžad Latic, Zeleni bejt, str. 28.

نقش تصوف در فعالیت تکیه‌ها^۱ خلاصه نمی‌گردد، اسلام در بوسنی به دلیل فشارها و تجاوزهای سیاسی و نظامی همسایگان، به معنویت و باطنی‌گرایی تمایل دارد. مسلمانان برای بقا ناچار بودند که دست‌کم خود را از نظر ظاهری با محیط سازگار کنند و بنابراین نهاد تصوف عرصه‌ای برای فرهنگ سازی شد.

از آغاز ورود اسلام به بوسنی، عرفا، صوفیان و ادبا نقش مهمی در انتقال فرهنگ ایرانی به بوسنی و هرزگوین ایفا کرده‌اند. بیش از ۳۰ شاعر بوسنیایی به زبان فارسی شعر می‌سرودند و آثار حکمای معنوی ایرانی، از جمله آثار: سعدی، جامی، حافظ و عطار، منبع مهمی در شکل دادن به فرهنگ و تفکر بوسنیایی بوده است. بیش از ده‌ها شرح بر آثار حکمای ایرانی نگاشته شده است.

تصور می‌شود که در غیاب نقش فرهنگ‌سازی افندی‌ها و بلکه در کنار آنها، دروایش می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. این نهاد به دلیل ضربه‌های شدیدی که در دوران کمونیستی متحمل شد و به علت مخالفت‌ها و محدودیت‌های جماعت اسلامی، کارکرد و قدرت سابق خود را ندارد. در گذشته فاصله و جدایی بین نهاد طریقت و نهاد شریعت نبود. «جمال‌الدین چائوشویچ»، رئیس‌العلمای بوسنی و هرزگوین در دوران قبل از جنگ جهانی دوم، شیخ طریقت نقشبندی بود. «شیخ نعمان آگیچ» از شیوخ مهم نقشبندی و همچنین عهده‌دار منصب قضاوت شرعی بود. بسیاری از قضات و علمای بوسنیایی، روحیه معنوی داشتند و به یکی از طریقت‌های قادریه، مولویه و نقشبندی وابستگی داشتند^۲. ولی این تغییر در نحوه تلقی از مسئله عرفان و شریعت از دوران کمونیستی به وجود آمد و با تأثر از دیدگاه‌های سلفی‌گری معاصر به اوج خود رسید و نهاد طریقت در حاشیه فرهنگ رسمی دینی جامعه قرار

۱. تکیه نامی است برای محل تجمع صوفیان که برای برگزاری نماز جماعت، درس و بحث برپا می‌شود.

گرفت. تصوف قدرت گذشته خود را از دست داده، ولی در عین حال نیز اصلی‌ترین نهاد بدیل برای آموزش دینی و تربیت معنوی مسلمانان منطقه است. فرهنگ تصوف در سارایوو و سایر شهرها و روستاهای بوسنیایی زنده است و این نهاد به شکل آرام و بطئی نقش مهمی در تربیت دینی جامعه به عهده دارد.

«جماعت اسلامی» متأثر از موج سلفی‌گری، نهاد تصوف را رقیب خویش می‌بیند؛ چون سلفی‌ها با تصوف و تشیع به یک اندازه دشمنی می‌ورزند. از این رو بودجه‌ای از محل «جماعت اسلامی» برای تشکیلات صوفیانه در نظر گرفته نمی‌شود. «جماعت اسلامی» موضعی رسمی و علنی علیه نهاد تصوف بوسنی و هرزگوین ندارد و حتی مسئولان آن به سهم مثبت تصوف در فرهنگ بوسنیایی اشاره می‌کنند، ولی در عمل جایگاه و اعتبار کمتری برای تصوف قائل هستند.

«جماعت اسلامی» اداره‌ای به نام مرکز طریقت بوسنی و هرزگوین دارد. صوفیان بوسنیایی که در طریقت‌های نقشبندیه، قادریه، رفاعی و خلوتی در چارچوب تکایا و مساجد به فعالیت می‌پردازند، چندان وزن و اعتباری برای آن اداره قائل نیستند. فعالیت طریقت‌ها از طریق شیخ و یا نماینده شیخ (وکیل یا رهبر) اداره می‌شود. طریقت‌های بوسنیایی در چارچوب‌های شرعی به فعالیت می‌پردازند و این مشخصه اصلی تصوف بوسنیایی است که در تعالیم و اصول طریقت‌ها نیز دیده می‌شود.

«تمامی طریقت‌ها خود را از نظر باطنی شیعه می‌دانند. تأکید بر مسئله ولایت، هسته اصلی فعالیت‌های تصوف را تشکیل می‌دهد. رهبران صوفی بوسنیایی موقعیت خود را به عنوان نیمی سنی و نیمی شیعی و یا به‌ظاهر سنی و در باطن شیعی، توصیف می‌کنند. تأکید بر اینکه دوازده امام شیعی (علیهم‌السلام)، امامان معصوم و منصوب الهی می‌باشند و امر هدایت و ارشاد در طریقت‌ها از طریق امامان شیعی بویژه حضرت علی(ع) به سایر خلفای صوفی منتقل شده و چارچوب تصوف را

تشکیل می‌دهد. اساساً نقش فرهنگی صوفیان در وحدت شیعه و اهل تسنن مهم و قابل تأمل است. صوفیان با تاسی از مفاهیم معنوی و نشانه‌های شیعی حساسیت‌های منفی نسبت به تشیع را - که متأثر از فعالیت‌ها و حمایت مالی سلفی‌ها از جماعت اسلامی به وجود آمده است - کاهش می‌دهند.^۱ و این مسئله‌ای است که تحملش برای سلفی‌ها دشوار است و بنابراین به همان میزانی که درون جماعت اسلامی به شیعه هراسی دامن می‌زنند، علیه تصوف نیز بذر کینه و دشمنی می‌پاشند. بی‌دلیل نیست که اکنون جماعت اسلامی، امام جماعت بودن یک عالم صوفی فعال در مسجد را تحمل نمی‌کند، ولی سلفی‌ها در سارایوو مسجدی بزرگ، خاص خود به نام مسجد ملک فهد دارند.

آموزه‌های صوفیانه معاصر بوسنیایی پس از جنگ به شکلی گسترده در راستای فرهنگ شیعی و عرفانی ایرانی قرار دارد. تکیه رفاعی در سارایوو در ۱۵ سال اخیر یکی از فعال‌ترین انتشارات تصوف و عرفان بوده و آثاری از: امام محمد غزالی، عبدالقادر گیلانی، محی‌الدین عربی و مولانا جلال‌الدین رومی به طبع رسیده است. نهاد نقشبندیه در چند سال اخیر با نشر مجله «شفقا» و ترجمه آثاری از شیخ عباس قمی، سید حسین نصر و... به معرفی بیشتر فرهنگ شیعی در بوسنی و هرزگوین با مرکزیت عاشورا و کربلا پرداخته است. تکیه‌ها در بوسنی و هرزگوین نقش مهمی در گسترش معنویت و تربیت اسلامی جوانان بر مبنای آموزه‌های اهل بیت پیامبر (علیهم‌السلام) و عرفای بزرگ اسلامی دارند. صوفیان در سال‌های اخیر، به شکل‌های منسجم نهادینه و یا فردی، به ترجمه آثار عرفای ایرانی روی آورده‌اند. فرهنگ ایرانی در این حوزه با جهش فوق‌العاده‌ای روبه‌روست و اقبال عمومی برای

۱. از مصاحبه سعید عابدپور در سال ۱۳۷۸ با شیخ ذاکر بکتیچ (شیخ طریقت رفاعی در سارایوو).

وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی مسلمانان بوسنی و هرزگوین ■ ۴۱

فهم عرفان، تصوف و بازیابی هویت، باعث شده تا شاهد جنب و جوش بسیاری بین جوانان مؤمن کشور بوسنی و هرزگوین باشیم. برخلاف حمایت «جماعت اسلامی»، فعالیت‌های فرهنگی صوفیان با امکانات محدود و مهم است و نقش مهمی در ترویج فرهنگ اسلامی ایفا می‌کند.

آمار دقیقی از تعداد تکایای بوسنی و هرزگوین در دسترس نیست، این امر تا حدی به دلیل مرکزیت نداشتن فعالیت تکایای بوسنیایی است و افزون بر تکایا، محافل و حلقه‌های ذکر، درس و تعلیم بعضاً در خانه‌ها برگزار می‌شود و از این رو محاسبه دقیق این تعداد فعالیت امکان‌پذیر نیست. ولی می‌توان حدس زد دست‌کم حدود ۴۰ تکیه به صورت فعال در بوسنی و هرزگوین وجود دارد.

مهمترین کارکرد فرهنگی تکایا، برنامه‌های هفتگی ذکر و درس است که معمولاً یکبار در شامگاه پنجشنبه و یا یکشنبه برگزار می‌شود. به‌طور معمول تکایایی که از سوی شیخ اداره می‌شود، در طول هفته نیز فعال است. میدان افزون بر شرکت در مراسم دسته‌جمعی در نماز جماعت و ذکر در دروس تکایا حاضر می‌شوند. کارکرد فرهنگی دیگر تکیه، جمع‌آوری اعضا و ایجاد حلقه‌های صحبت و گفتگوست و از این طریق، روابط جمعی اعضای تکیه‌ها و نیز بیش دینی آنها تقویت می‌شود. اعضای طریقت‌های بوسنی و هرزگوین در صحنه اجتماعی نیز معمولاً از یکدیگر حمایت و پشتیبانی می‌کنند و بویژه سعی دارند امکان فعالیت اقتصادی مریدان و محبان تکایا را فراهم کنند تا پیوندهای اجتماعی آنها نیز گسترش یابد. مهمترین بخش فعالیت صوفیان بوسنیایی، انتشارات است. صوفیان چه در قالب تکیه و چه به‌صورت فردی، مترجمان فرهنگ صوفیانه، عرفانی ایرانی و همچنین فرهنگ شیعی هستند. از این رو تعجب ندارد که تکیه نقشبندیه، کتاب «نفس المهموم» شیخ عباس قمی درباره قیام امام حسین (ع) و حادثه کربلا را منتشر می‌کند.

فرهنگ آموزشی در بوسنی و هرزگوین

مدارس

ساختار آموزشی در بوسنی به دو صورت دولتی و غیردولتی است. در دوران کمونیستی، ساختار آموزش دولتی شامل مدارس و دانشگاه‌ها بود و در کنار این ساختار رسمی نهادهای دینی مسلمان، ارتدوکس و کاتولیک، برای تربیت مربیان و روحانیان مورد نیاز، از مدارس و دانشکده‌ها استفاده می‌کردند. پس از جنگ، به تدریج ساختار رسمی دولتی از ساختار کمونیستی به ساختار غربی تغییر کرد. گرچه بعضی استادان باسابقه دانشگاه‌ها از این تغییرها حمایت نمی‌کنند، اما بیانیه بلونیا - که در اتحادیه اروپا از آن به عنوان زیربنای ساختار مطلوب آموزش عالی یاد می‌شود و همه کشورهای اتحادیه باید آن را اجرا کنند - از سوی بیشتر دانشگاه‌های بوسنیایی پذیرفته شده است. برنامه مدارس، دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی بوسنی و هرزگوین بر مبنای سیاست آموزشی اتحادیه اروپاست. بیانیه بلونیا خطوط و چارچوب‌های سیاست آموزش عالی را برای کشورهای اروپایی ترسیم کرده است. در این برنامه بر آموزش تخصصی، نظام آموزش ترمی، ارتباط دانشگاه‌های اروپایی، تبادل استاد و دانشجو و تناسب رشته با بازار کار، تأکید می‌شود. بنابراین، جهت‌گیری عمده آموزشی بوسنی، در راستای همگرایی با اتحادیه اروپا تعریف می‌شود و در این سیستم آموزشی، هدف کسب مهارت برای جلب و تولید بیشتر سرمایه است.

دوره عمومی آموزش دارای دو مقطع پایه و متوسطه است که دوره پایه آن هشت سال و دوره متوسطه چهارسال است. دوره پیش‌دبستانی را نیز نباید از یاد ببریم که در سال تحصیلی ۲۰۰۹ - ۲۰۰۸م. تعداد ۱۶۲۶۰ کودک در ۱۹۶ مؤسسه پیش‌دبستانی ثبت نام کرده‌اند. تعداد کل دانش‌آموزان در دو مقطع ابتدایی و دبیرستان ۵۰۸۰۲۸ نفر و تعداد معلمان ۳۵۴۸۳ نفر است که تعداد ۲۲۸۳۰ نفر یعنی تقریباً ۶۱/۵ درصد آنها

زن هستند. حقوق متوسط معلمان ماهانه از ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ مارک است.^۱

برای ورود به دانشگاه، هر دپارتمانی در هر دانشکده‌ای برای خود کنکور جداگانه برگزار می‌کند و سخت‌گیری چندانی برای ورود به دانشگاه وجود ندارد و معمولاً بیشتر کسانی که ثبت نام می‌کنند برای ورود به دانشگاه پذیرفته می‌شوند؛ اما خروج و فراغت از تحصیل چندان آسان نیست و تقریباً بیش از ۶۰ درصد از کسانی که در سال اول وارد دانشگاه شده‌اند به سال چهارم نمی‌رسند و از کسانی که به سال چهارم رسیده‌اند نیز همه موفق به دریافت مدرک کارشناسی نمی‌شوند. آموزش در مقاطع تحصیلات تکمیلی نیز براساس فرهنگ آموزش در اروپا با تأکید بیشتر روی پایان‌نامه انجام می‌شود. دانشجو باید با راهنمایی یک استاد راهنما که خود او در انتخاب آن آزاد است، موضوعی را به دپارتمان مربوط پیشنهاد و هزینه استاد راهنما راپردازد. اگر استاد در شهر یا کشور دیگری است خود دانشجو باید تا زمان دفاع از پایان‌نامه، هزینه‌های ایاب و ذهاب ضروری او را به دانشکده پردازد.

در مجاورت سیستم رسمی دولتی، نهادهای دینی مسلمان، کروات و صرب برای نیازهای خود، مدارس و دانشکده‌هایی تأسیس کرده‌اند. افزون بر نهادهای دینی در سال‌های اخیر، بر تعداد دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و مدارس بخش خصوصی افزوده شده است. از این میان می‌توان به دو دانشگاه آمریکایی در سارایوو و توزلا، دانشگاه بین‌المللی سارایوو توسط ترک‌ها، دانشکده ایوب گانیچ، شش کالج شبانه روزی ترکها، کالج فارسی، مدرسه گلستان و سایر موارد دیگر اشاره کرد.

دانشگاه‌ها در بوسنی و هرزگوین

در بوسنی و هرزگوین هشت دانشگاه دولتی و سه دانشگاه خصوصی وجود

دارد. دانشگاه‌های دولتی بوسنی و هرزگوین عبارت است از:

الف) دانشگاه ساریوو: بزرگ‌ترین دانشگاه بوسنی و هرزگوین و یکی از دانشگاه‌های بزرگ جهان است. سابقه این دانشگاه به قرن شانزدهم دوران امپراتوری عثمانی بازمی‌گردد و تا قرن نوزدهم به عنوان یک دانشگاه معتبر دوره عثمانی در جهان اسلام و اروپا شناخته می‌شد. اما در قرن نوزدهم این موقعیت را از دست می‌دهد؛ بنابراین بوسنی و هرزگوین در مقطعی تا هنگام تأسیس این دانشگاه در سال ۱۹۴۹م. به شکل مدرن، فاقد مرکز آموزش عالی بوده است. این دانشگاه در سال ۱۹۴۹م. با چهار دانشکده و یک مدرسه عالی به شکل جدید تأسیس شد و سه سال بعد شعبه‌هایی را در بانیالوگا، موستار و توزلا افتتاح کرد که اکنون به دانشگاه‌هایی مستقل تبدیل شده است. این دانشگاه با بیش از ۵۵۰۰۰ دانشجوی در حال تحصیل، تا کنون ۱۲۲۰۰۰ فارغ‌التحصیل در مقطع کارشناسی، حدود ۴۰۰۰ نفر در مقطع کارشناسی ارشد و ۲۳۰۰ نفر در مقطع دکتری در ۴۳ رشته مختلف داشته است. تعداد استادان این دانشگاه ۱۶۴۰ نفر است. بیشتر مسئولان سیاسی و اجرایی کشور، فارغ‌التحصیل این دانشگاه هستند. این دانشگاه در دوران جنگ زیر موشک باران صرب‌ها نیز به کار خود ادامه داد و هیچگاه تعطیل نشد؛ هرچند از لحاظ ساختمانی و تجهیزات در طول جنگ و دوران محاصره ساریوو آسیب دید، ولی به همت مقاومت و پشتکار مسئولان دانشگاه و کمک بعضی از کشورهای اروپایی، دوباره بازسازی و توسعه یافته‌تر شده است و از استانداردهای علمی مورد نیاز یک دانشگاه معتبر برخوردار است. دانشگاه ساریوو ۲۵ دانشکده، کالج و آکادمی آموزشی دارد که عبارتند از: دانشکده‌های معماری، اقتصاد، تربیت بدنی، داروسازی، فلسفه، مهندسی راه و ساختمان، مهندسی مکانیک، پزشکی، دندانپزشکی، الکترونیک، علوم سیاسی، حقوق، کشاورزی، علوم طبیعی، ریاضی، حمل‌ونقل و ارتباطات، جنگلداری،

وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی مسلمانان بوسنی و هرزگوین ■ ۴۵

دامپزشکی، علوم اسلامی، علوم جنایی و مهندسی برق و همچنین دانشگاه مراقبت‌های پزشکی و آکادمی موسیقی، آکادمی هنرهای زیبا و آکادمی نمایش است.

دانشگاه ساریوو تعداد زیادی مؤسسه تحقیقاتی دارد که عبارت است از:

مؤسسه‌های زراعت، زیست‌شناسی، اقتصاد، معماری، شهرسازی و فضاسازی، علوم مالی، مطالعات برق، شرق‌شناسی، جوشکاری، مدیریت و اقتصاد، ترمودینامیک و تکنیک هسته‌ای، تحقیقات و علوم تخصصی اونیس، تحقیقات جنایت‌های جنگی و مؤسسه تاریخ.^۱

ب) *دانشگاه بانیا لوکا*: این دانشگاه در بانیا لوکا، مرکز جمهوری صرب واقع است و اکثریت آن با دانشجویان صرب است و در سال ۱۹۷۵م. در شهر بانیا لوکا تأسیس شده است. دارای یک آکادمی در زمینه هنر و ۱۲ دانشکده است. دانشکده‌های آن شامل: دانشکده مهندسی مکانیک، مهندسی الکترونیک، مهندسی برق، تکنولوژی، پزشکی، اقتصاد، حقوق، معماری و راه و ساختمان، فلسفه، جنگل‌داری، علوم طبیعی، ریاضیات و دانشکده کشاورزی است. در این دانشگاه حدود ۲۰۰ استاد و ۱۵۰۰۰ دانشجو مشغول به تدریس و تحصیل هستند.^۲

ج) *دانشگاه توزلا*: این دانشگاه در سال ۱۹۷۶ تأسیس شده است و دارای دوازده دانشکده: مهندسی برق، مهندسی مکانیک، مهندسی الکترونیک، معدن، زمین‌شناسی، پزشکی، اقتصاد، تکنولوژی، فلسفه، حقوق، داروسازی، آموزش و توانبخشی، علوم طبیعی و ریاضیات است و دو مدرسه عالی پزشکی (۴ ساله) و مدرسه عالی تجارت و یک آکادمی تئاتر و نمایش دارد. این دانشگاه دارای ۵۰۰ استاد است و بیش از ۱۵۰۰۰ دانشجوی کارشناسی و حدود ۱۵۰۰ دانشجوی تحصیلات تکمیلی دارد.^۳

1. www.unsa.ba

2. www.unibl.rs.sr

3. <http://www.untz.ba>

د) دانشگاه زینیتسا: جوان‌ترین دانشگاه بوسنی و هرزگوین است و در سال ۲۰۰۰م. تأسیس شده و دارای هفت دانشکده و چندین مؤسسه تحقیقاتی است. دانشکده‌های آن عبارت است از: دانشکده مهندسی مکانیک، حقوق، تربیت معلم، اقتصاد، تعلیم و تربیت اسلامی، مواد و فلزات و دانشکده بهداشت. حدود پنج هزار دانشجو و بیش از ۲۰۰ استاد و مربی در این دانشگاه مشغول به تحصیل و تدریس هستند.^۱

ه) دانشگاه موستار (جمال بیدیچ): این دانشگاه در سال ۱۹۷۷م. تأسیس و دارای یازده دانشکده است: دانشکده مهندسی راه و ساختمان، مهندسی کشاورزی، فنی و مهندسی، اقتصاد، دانشکده حقوق، پزشکی، علوم پزشکی، مدرسه عالی پرستاری، دانشکده فلسفه، علوم، مدرسه عالی تربیت معلم و مدرسه عالی پرستاری. به تعداد هر دانشکده یک مؤسسه تحقیقاتی در رشته‌های آن نیز وجود دارد؛ مؤسسه الهیات فرانسیس کن و مؤسسه تحقیقات زبان و ادبیات بوسنیایی و آکادمی هنرهای زیبا را نیز باید به مجموعه مؤسسه‌های تحقیقاتی دانشگاه افزود. در این دانشگاه ۱۳۵۰۰ دانشجو مشغول به تحصیل هستند.^۲

و) دانشگاه بیهاج: این دانشگاه در سال ۱۹۹۷م. تأسیس شده و متشکل از هفت دانشکده است: دانشکده علوم بیوتکنیک، اقتصاد، تعلیم و تربیت اسلامی، تربیت معلم، حقوق، فنی و مهندسی و مدرسه عالی پرستاری است. در این دانشگاه پنج هزار دانشجو مشغول به تحصیل هستند.^۳

افزون بر شش دانشگاه مذکور، کروات‌ها یک دانشگاه در غرب موستار و صرب‌ها نیز یک دانشگاه در شرق سارایو برای خودشان راه‌اندازی کرده‌اند.

1. www.unze.ba

2. <http://www.sve-mo.ba/>

3. www.unbi.ba

وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی مسلمانان بوسنی و هرزگوین ■ ۴۷

در کشور بوسنی و هرزگوین حقوق متوسط یک استاد دانشگاه حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ مارک است. حقوق یک پزشک متخصص حدود ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ مارک، حقوق یک پزشک عمومی حدود ۱۲۰۰ مارک و حقوق یک مهندس حدود ۱۲۰۰ مارک است.

ض) دانشگاه بین‌المللی سارایوو: این دانشگاه متعلق به ترک‌هاست و از سال ۲۰۰۴م. شروع به کار کرده است و دارای پنج دانشکده: هنر و علوم اجتماعی، دانشکده فنی، علوم طبیعی، تربیت معلم، اقتصاد و مدیریت تجاری و دانشکده زبان انگلیسی است. البته این دانشکده اخیر، در صورت وجود داوطلب، رشته‌های زبان ترکی، بوسنیایی و زبان‌های اروپایی را نیز راه اندازی می‌کند. شهریه سالانه برای هر دانشجو حدود ۵۰۰۰ یورو است.^۱

ح) دانشگاه بین‌المللی بورچ: این دانشگاه نیز متعلق به ترک‌هاست و دارای سه دانشکده تربیت معلم، اقتصاد، فنی و مهندسی است. شهریه این دانشگاه تازه تأسیس برای تربیت معلم ۲۰۰۰ یورو و برای دو دانشکده دیگر ۳۰۰۰ یوروست. همچنین شهریه تحصیلات تکمیلی ۲۰۰۰ یوروست.^۲

تعداد زیادی از دانشجویان این دو دانشگاه را دختران محجبه ترک تشکیل می‌دهند که به دلیل ممنوعیت حجاب در دانشگاه‌های ترکیه، کشور بوسنی و هرزگوین را برای تحصیل انتخاب کرده‌اند.

و) دانشگاه آمریکایی بوسنی و هرزگوین: دفتر مرکزی این دانشگاه در توزلا دومین شهر بزرگ بوسنی و هرزگوین بعد از سارایووست و شعبه‌هایی در سارایوو و بانیالوکا نیز دارد. این دانشگاه دو دانشکده دارد که در هر سه شهر، در رشته‌های

1 www.ius.ba

2 www.iubu.ba

«بانکداری و مدیریت» و «حقوق بین‌الملل و دیپلماسی» دانشجو می‌پذیرد و بیست‌وپنج عضو هیأت علمی دارد که جز یک یا دو نفر بقیه آمریکایی هستند. تسهیلات این دانشگاه برای جذب دانشجو این است که مدرک تحصیلی دانشجویان تحت لیسانس دانشگاه نیویورک است؛ همچنین معادل شهریه ۵۵۰۰ یورویی که سالانه از دانشجویان می‌گیرد، به آنها وام می‌دهد؛ به طوری که پرداخت اقساط ماهیانه این وام در دوران پنج ساله دانشجویی (سال اول از این پنج سال، برای تقویت دانش زبان انگلیسی در نظر گرفته شده است؛ چون زبان آموزش، انگلیسی است)، ماهی ۵۰ یوروست و بعد از فارغ‌التحصیلی در طول هفت سال باید با دانشگاه تسویه کند. براساس گفته مسئولان این دانشگاه، سال ۲۰۰۹م. نسبت به سال گذشته آن، تعداد دانشجویان این دانشگاه چهار برابر شده است.^۱

رسانه‌های بوسنیایی و فرهنگ

رسانه‌های بوسنیایی در فقدان نهادهای مدنی و قضایی قوی اغلب با حربه تخریب، تهمت و تشویش اذهان عمومی فعالیت می‌کنند. در کشوری که ساکنان آن در سه منطقه جدا از هم زندگی می‌کنند، رسانه‌ها ابزاری برای احزاب قوی ناسیونالیستی است. اما تحولات سال‌های اخیر، به تدریج به شکل‌گیری فضای رسانه‌ای انتقادی مبتنی بر مدارک کمک می‌کند و جامعه به سمت شفافیت رسانه‌ای پیش می‌رود. روند همگرایی بوسنی و هرزگوین با اتحادیه اروپا به تدریج شرایط جدیدی خلق می‌کند. اتحادیه اروپا از ناسیونالیسم افراطی بوسنی و هرزگوین نگران است و راهکارهای نهادینه شده برای مبارزه با اختلاس، تبه‌کاری سازمان یافته و سوءاستفاده از قدرت سیاسی و اقتصادی در سیستم قضایی کشور فراهم شده و با

گسترش روابط بوسنی با اتحادیه اروپا، سیستم رسانه‌ای دستخوش تغییر شده است؛ بنابراین نقش رسانه‌ها در عرصه فرهنگ نیز تغییر خواهد یافت.

رادیو و تلویزیون

در بوسنی و هرزگوین شبکه‌های تلویزیونی تمام جمهوری‌های یوگسلاوی سابق، بدون استمداد از آنتن ماهواره‌ای قابل استفاده است؛ همچنین شش کانال تلویزیونی، مختص خود بوسنیایی‌ها برنامه پخش می‌کند. اینها افزون بر شبکه‌های استانی و صدها شبکه‌ای است که با استفاده از آنتن ماهواره‌ای قابل دسترسی است.

رسانه‌های دولتی بوسنی و هرزگوین نظیر شبکه تلویزیونی ۱ و فدراسیون، از کنترل دولت رها شده است. جامعه بین‌الملل، سیاستی درباره رسانه‌ها اعمال کرده که مدیریت این رسانه‌ها غیردولتی بوده، ولی از بودجه دولتی استفاده می‌کنند. بنابراین رسانه‌های دولتی، نقش راهبردی و ارشادی در زمینه فرهنگ ندارد. برنامه‌های فرهنگی، مشابه برنامه‌هایی است که در یک کشور مشابه اروپای غربی اجرا می‌شود. برنامه‌های شبکه‌های تلویزیونی بیشتر سرگرم‌کننده و تفریحی است و کمتر از این شبکه‌ها برای بالا بردن دانش و آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم استفاده می‌شود. اما بعضی از مردم مسلمان با استفاده از ماهواره از شبکه‌های کشورهای اسلامی استفاده می‌کنند. ولی توده مردم که زبان خارجی نمی‌دانند فقط به شبکه‌های داخلی اکتفا می‌کنند.

نهاد‌های غیردولتی فرهنگی، به دو منبع مالی داخلی و خارج متکی است. حضور نهاد‌های فرهنگی غربی در بوسنی و هرزگوین وسیع است و این نهاد‌های فرهنگی خارجی، امکان حمایت مالی انجمن‌های غیردولتی با گرایش‌های مورد نظرشان را تأمین می‌کنند.

انجمن‌های فرهنگی اسلامی در حوزه مسائل دینی فعالیت دارند. این نهادها در حوزه فرهنگ‌سازی عمومی کمتر وارد می‌شوند. نهادهای فرهنگی اسلامی بیشتر درون‌گرا بوده، با مخاطبان اندک ارتباط دارند و فعالیتشان در حوزه نیروسازی بسیار محدود، جزئی و سستی است؛ آنها عملاً با اتخاذ این روش، تأمین بخش مهمی از نیازهای فرهنگی عمده جامعه را که از طریق موسیقی، فیلم و تئاتر انجام می‌شود، به انجمن‌ها و نهادهایی با گرایش‌های غیر دینی سپرده‌اند. اما در مقایسه با دوران قبل از جنگ در میان عده‌ای از مردم، فرهنگ اسلامی به تدریج در حال نهادینه شدن است. صدای اذان پنج بار از مساجد بلند است. در ماه مبارک رمضان بعضی شبکه‌های محلی نیز صدای اذان را بویژه برای اذان مغرب پخش می‌کنند. شاید حدود بیست درصد مردم برای نماز به مسجد بروند، ولی بیشتر مردان مسلمان نماز جمعه را ترک نمی‌کنند. نماز جمعه برای زنان مرسوم نیست. با آنکه وضع خیابان و بازار در ماه رمضان و غیر آن یکی است، ولی بسیاری از مردم روزه می‌گیرند. تعداد خانم‌هایی که حجاب اسلامی دارند در شهرهایی مانند سارایوو و زینیتسا محسوس است. در بعضی خیابان‌ها تابلوهایی نصب شده که حکایت از فروش گوشت حلال دارد و حتی کلمه حلال را با الفبای عربی نوشته‌اند. این آداب با امکانات مدرن تبلیغی ترویج نمی‌شود و مروجان فرهنگ اسلامی از امکاناتی مثل: تلویزیون، رادیو، تئاتر و سینما برای ترویج فرهنگ دینی بسیار کم بهره‌برداری می‌کنند. رادیو بیر بیشتر سرودهای مذهبی (الهیة) پخش می‌کند.

توجه به ابزار مدرن فرهنگ در بین گروه‌های مذهبی دیده نمی‌شود و آنها بیشتر از طریق سخنرانی و کتاب به فرهنگ سازی می‌پردازند.

در عرصه دیگر رسانه‌ها، یعنی مجله‌ها و روزنامه‌ها، ضعف و نقایص فراوانی وجود دارد. تعداد روزنامه و مجله‌های جدی بسیار کم و انگشت شمار است. برای

وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی مسلمانان بوسنی و هرزگوین ■ ۵۱

مثال: در این کشور با وجود چهار دانشکده فلسفه، مجله فلسفی منتشر نمی‌شود. تنها مجله فلسفی که مقاله‌های استادان فلسفه را منتشر می‌کرد «دیالوگ» بود که اکنون فعال نیست و منتشر نمی‌شود. اکنون تنها مجله‌ای که مقاله‌های فلسفی نیز منتشر می‌کند مجله «نشانه‌های زمان» متعلق به مؤسسه علمی - پژوهشی ابن‌سیناست که به همت بعضی استادان دانشگاه‌های ایران و حمایت بعضی از سازمان‌های علمی و فرهنگی تأسیس شده است. از دیگر مشکلات جدی در این حوزه، نبودن فضای نقد سازنده و گفتگوهای انتقادی است. نویسندگان با شتاب از نقد علم به نقد عالم نقب می‌زنند.

بزرگ‌ترین روزنامه متعلق به مسلمانان، مبلغ فرهنگ برهنگی است. فرهنگ برهنگی امری است که تقریباً بیشتر رسانه‌ها در ترویج آن نقش دارند. از میان ده‌ها روزنامه و مجله شاید کمتر از تعداد انگشتان یک دست باشند که از چاپ تصاویر زنان برهنه پرهیز می‌کنند. در وضعیت کنونی روزنامه‌های «آواز» و «اسلوبوجینه» دو روزنامه مهم رقیب در عرصه مطبوعاتی فعالند. «آواز»، روزنامه‌ای با قدرت اطلاع رسانی بالاست، ولی نقش فرهنگی آن به عنوان یک روزنامه مسلمان ضعیف و حتی ضد فرهنگی است. مهمترین دلیل محبوبیت «آواز» در بین روزنامه‌های بوسنیایی، دسترسی سریع آن به اخبار و به روز بودنش است؛ اما در بخش فرهنگ، مبلغ فرهنگ مبتذل غربی است و از این راه به فروش بیشتر روزنامه می‌اندیشد. در مقابل روزنامه اسلوبوجینه، روزنامه‌ای با گرایش چپ که بیش از ۶۰ سال از تأسیس آن می‌گذرد، سهم و فضای مناسبی به فرهنگ سالم می‌دهد. اصولاً ساختار روزنامه اسلوبوجینه به گونه‌ای است که به فرهنگ سازی اصالت بیشتری می‌دهد و می‌توان این روزنامه را نماینده طبقه شهری جامعه بوسنی دانست. «آواز» در مقابل با موضع‌گیری ضعیف فرهنگی و تقلید کورکورانه از فرهنگ غربی، مروج پوچی و بی‌هویتی است. «آواز» از نظر سیاسی

اهمیت بیشتری نسبت به اسلوب‌جوینیه دارد و مورد پذیرش عمومی مردم است، ولی شیوه رویکرد آن به فرهنگ اصیل ضعیف است و به فرهنگ به عنوان امری برای سرگرمی و تفنن می‌نگرد.

مجله‌های فرهنگی بوسنیایی، شامل: اودیک، مجله‌های مختلف زنان، استارت و ماکسیم با نگرش‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی اداره می‌شوند. سهم این مجله‌ها در ارائه فضای فرهنگی مطلوب بسیار کمتر از روزنامه‌هاست که به صورت روزانه در دسترس مردم قرار می‌گیرد.

مجله‌های فرهنگی اسلامی مانند پرپورود، از سنت‌های فرهنگی مسلمانان دفاع می‌کند. مجله‌های استارت یا ماکسیم، گرایش کاملاً غربی دارد و به دنبال ارائه الگوی زندگی غربی برای شهروندان مسلمان بوسنیایی است. مجله اودیک، دیدگاه متعادلی از فرهنگ با تأکید بر ارزش‌های مثبت جوامع سنتی و مدرن دارد. انتشار این مجله با تأخیر روبه‌روست و بر روند فرهنگی جامعه تأثیرگذار نیست.

بخش دیگر، مجله‌های مبتدلی است که در صربستان و کرواسی چاپ می‌شود. این مجله‌ها بیشتر به تبلیغ هرزه‌نگاری و ابتذال می‌پردازد و از این‌رو بوسنی مدام در معرض تهاجم فرهنگی صرب‌ها و کروات‌ها قرار دارد. مجله‌های متقد فرهنگ غرب، به جز «نشانه‌های زمان» که با روشی دانشگاهی به نقد و تبیین اندیشه‌های غربی می‌پردازد، اغلب با روشی بسیار سطحی و عامیانه از فرهنگ غربی انتقاد می‌کنند. درمقابل مجله‌های سکولار منش یا بی‌دین مانند «دانی» وجود دارد که با ساختار شکنی در نگاه حرفه‌ای به مسئله فرهنگ می‌کوشد تا قالب‌ها و چارچوب‌های فرهنگ موجود را شکسته و فرهنگ بحران‌زده غربی را به عنوان الگو مطرح کند.

کمبود نگاه دینی به مسئله فرهنگ در سطح موسیقی، فیلم، تئاتر و حتی تربیت نیروی انسانی، به شدت احساس می‌شود. بوسنی و هرزگوین در موقعیت فعلی،

وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی مسلمانان بوسنی و هرزگوین ■ ۵۳

موقعیت مناسبی برای فعالیت‌های دو طیف افراطی گرایش‌های سلفی و گرایش‌های غربی است. وضعیت حاضر، گرچه امکانات لازم برای رشد و توسعه تفکر عمیق دینی و عقلانیت متناسب با نیازهای فرهنگی و تمدنی بوسنی و هرزگوین را ندارد، ولی فضا برای ایجاد آن وجود دارد؛ همان‌طور که زمینه رشد برای اندیشه‌های رقیب نیز هست.

از این رو، کمبودها و زمینه‌های بسیاری برای حضور فرهنگ‌سازان در بوسنی و هرزگوین وجود دارد. اگر گروه‌های تحصیلکرده مسلمان، امکان و فرصتی برای توجه به مؤلفه‌های مدرن فرهنگ‌سازی از قبیل: موسیقی، فیلم، تئاتر، سینما و... با ابزارهای نو داشته باشند و از سوی دیگر زمینه‌های روش منطقی برای تبیین اندیشه و رفتار دینی را فراهم کنند، توده مردم به‌طور طبیعی نیاز به تفکر دینی را به عنوان مسئله ضروری برای بقای فرهنگی و تمدنی، بیشتر حس خواهند کرد.

فرهنگ عمومی در بوسنی و هرزگوین

فرهنگ عمومی در مقابل فرهنگ رسمی است. فرهنگ عمومی حوزه‌ای از نظام فرهنگی جامعه است که پشتوانه آن اجبار قانونی و رسمی نیست، بلکه تداوم آن در گرو اجبار اجتماعی اعمال شده از سوی آحاد جامعه، تشکل‌ها و سازمان‌های غیردولتی (غیررسمی) است. چون فرهنگ عمومی محصول مستقیم رفتارهای عادی مردم است، باید در ساده‌ترین فعالیت‌های اجتماع‌های مردم، مطالعه و بررسی شود از جمله: روش‌های کسب و معاش، پیوندهای خانوادگی، نظام اداره خانواده و جامعه، شیوه پوشش، سنت‌های غذاخوردن، تربیت کودک، مسائل جزئی و روزمره که در ظاهر بی‌اهمیت به نظر می‌آید.

زبان کشور بوسنی و هرزگوین اسلاوی با سه لهجه صربی، اسلونیایی و کرواتی

است. کشورهای قلمرو یوگسلاوی سابق یعنی حدود سی میلیون نفر به این زبان صحبت می‌کنند. لهجه مسلمانان و کروات‌ها یکی است. در این کشور، مانند سایر کشورهای اروپایی، واژه‌های علمی از زبان لاتینی فقط با اندکی تغییر در تلفظ و نگارش به این زبان منتقل شده است. این زبان تقریباً در بیش از سی درصد واژه‌ها با زبان انگلیسی، حدود سی درصد با زبان روسی و سی درصد با زبان‌های دیگر اروپایی و ده درصدی هم با زبان‌های کشورهای اسلامی (یعنی زبان‌های عربی، فارسی و ترکی) اشتراک دارد؛ به همین دلیل بسیاری از افراد تحصیلکرده در این کشور از استعداد فراگیری چند زبان خارجی برخوردارند. مسلمانان در کنار تلاش برای اثبات هویت مستقل - جدای از هویت صربی یا کرواتی - به نام هویت بوشنیاک برای تمایزهای زبانی نیز تلاش می‌کنند. حضور قوی فرهنگ اسلامی از طریق سه زبان عربی، فارسی و ترکی در جامعه بوسنی و هرزگوین موجب ظهور ادبیاتی مبتنی بر این فرهنگ از آغاز حضور عثمانی‌ها در منطقه در میان مسلمانان شده بود. به اقتضای قوت وضعف سیاسی مسلمانان، این ادبیات نیز دچار افت و خیز شده و اکنون پس از پایان دوران نسل‌کشی در حال تقویت است و حضور فرهنگی عقبه‌های فرهنگی مسلمانان در توسعه این ادبیات بسیار مؤثر است.

ادبیات بوسنیایی، عنصر قوی فرهنگی در جامعه است. ادبیات، راوی دردها، احساسات، خاطره‌ها، معنا و تجربه زندگی بوسنیایی است. ادبیات به شکل وسیعی در خدمت تحولات اجتماعی بوسنی و هرزگوین بوده است و ادیبان نقش مهمی در تحولات اجتماعی و فرهنگی داشته و دارند. سابقه ادبیات ملی بوسنی و هرزگوین را باید در داستان‌های رزمی و حماسی، جستجو کرد. «عبدالله سیدران» و «نجات ابریشم اوپچ» از ادیبان معاصرند که آثارشان بازتاب دردها و رنج‌های بوسنیایی‌هاست. ادبیات معاصر بوسنی، بیشتر متأثر از جنگ دهه ۱۹۹۰م. و سیاست‌های قومی - نژادی است.

مشهورترین نویسنده ادبی بوسنی و هرزگوین «ایوو آندریچ» است که با دریافت جایزه نوبل برای رمان «پلی بر رودخانه درینا» شهرت جهانی یافت. این رمان به فارسی نیز ترجمه شده است. «محمّت سلیمویچ»، رمان‌نویس دیگر بوسنی و هرزگوین است که رمان «درویش و مرگ» وی در سال ۱۳۷۵ ش. از سوی نشر زلال، با ترجمه آقای «داوود وفایی» به فارسی چاپ شد. بسیاری از آثار ادبی معاصر بوسنی که در سال‌های اخیر تولید شده است برگرفته از واقعات و مستندات جنگ است. از جمله این آثار می‌توان به کار «زلاتا فیلیپوویچ» اشاره کرد که داستان زندگی یک دختر دوازده ساله سارایووی را در سال‌های محاصره این شهر توسط صرب‌ها روایت می‌کند.^۱ ادبیات در جامعه بوسنی، نقش فرهنگی مهمی ایفا می‌کند. انجمن‌ها و مؤسسه‌های مختلف فرهنگی در زمینه ادبیات فعالیت می‌کنند که مؤسسه پرپورود یکی از این انجمن‌هاست. این مؤسسه در تمامی نقاط بوسنی و در خارج از کشور دارای دفاتر و نمایندگی‌هایی است. پرپورود در طول جنگ، نقش مهمی در تهییج احساسات مردمی در مبارزه و دفاع ایفا کرد. ادبیات بوسنیایی، در خصوص شرق، غرب، سنت و مدرنیسم است و رسالت تعریف منافع ملی و دفاع از هویت بوسنیایی را به دوش می‌کشد. مجله‌هایی مانند: نووی پلامن، موسّت و یادداشت‌های سارایوو، بعضی از نشریه‌های برتر در موضوع فرهنگ و ادبیات است.

وضعیت سینما، تئاتر و تولید فیلم

سینما و تئاتر، دو بیان هنری به‌نسبت موفق در جامعه بوسنی و هرزگوین است. سینمای جدید بوسنی و هرزگوین در سال ۱۹۷۱ م. با فیلم «نقش خانواده من در انقلاب جهانی» اثر «باتو چنگیچ» مطرح شد. فیلم «والتر از شهر دفاع می‌کند» در سال

1. Filipovic, Zlata, Zlata's Diary: A child's Life in Sarajevo, 1994.

۱۹۷۲م. توسط «خیرالدین شیبا»، مهمترین فیلم بوسنیایی بود که در حوزه «فیلم‌های پارتیزانی» ساخته شد. والتر، قهرمان سارایوو در سال‌های جنگ دوم جهانی، به نماد مقاومت این شهر معروف شد. پس از آن در دهه ۸۰م. سه کارگردان مطرح سینمای بوسنی، «امیر کوستوریتسا»، «میرزا ایدرس اویچ» و «آدمیر کنویچ»، موج جدید سینما را بنیان نهادند. فیلم «آیا دولی‌بل را بیاد داری» در سال ۱۹۸۱م. و فیلم «پدر در مأموریت» در سال ۱۹۸۵م. از «امیر کوستوریتسا» و فیلم‌های دیگر این کارگردان برجسته بوسنیایی در نیمه دوم دهه ۸۰م. سینمای بوسنی و هرزگوین را در جهان مطرح ساخت. در این سال‌ها، «آدمیرکنویچ» با فیلم «قدوس» در سال ۱۹۸۹، بسیار موفق به توصیف شخصیت بوسنیایی پرداخت.^۱

با آغاز جنگ در بوسنی و هرزگوین، «امیر کوستوریتسا» به بلغراد رفت و به پشتیبانی از «میلوشویچ» پرداخت. در زمان جنگ، سینماگران بوسنیایی با تشکیل مؤسسه فیلم «ساگا» به تهیه فیلم‌های مستند از جنگ پرداختند. فیلم مستند «انسان، خدا و جنایتکار» در دوران جنگ از «آدمیر کنویچ»، نمایی از سه روایت مختلف از وضعیت انسان در جنگ بود. ولی نخستین تولید موفق سینمای بوسنی پس از جنگ، فیلم «دایره کامل» از «آدمیر کنویچ» است که سرگذشت شاعری به نام حمزه را در طول جنگ به تصویر می‌کشد. پس از این فیلم «سرزمین هیچکس» از «دنیس تانویچ»، به مهمترین فیلم ساخته شده درباره جنگ پس از دریافت جایزه اسکار خارجی به سال ۲۰۰۱م. تبدیل می‌شود. به طور کلی، مجموعه تولید سینمای بوسنی در سال، ۲ یا ۳ فیلم است. جشنواره تابستانی فیلم سارایوو، مهمترین نهادی است که در زمینه ساخت فیلم فعالیت دارد. این جشنواره در سال ۱۹۹۴م. تأسیس و به بزرگ‌ترین و پرنفوذترین جشنواره در اروپای جنوب شرقی تبدیل شده است.

1. Andrew James Horton, BOSNIA Lyric landscapes and living hell, <http://www.kinoeye.org/02/17/horton17.php>

در سال‌های گذشته، فیلم‌هایی چون «گروباویتسا» به کارگردانی «جمیله زاینک»، و «برف» در جشنواره‌های خارجی، برنده جوایز متعددی شده است. فیلم «برف» تولید سال ۲۰۰۷م. ساخته خانم «آیدا بگیچ»، یکی از بهترین فیلم‌هاست که درباره سرنوشت یک دختر مسلمان بوسنیایی است. این فیلم با حمایت مالی مشترک ایران و فرانسه تولید شده است. دولت بوسنی و هرزگوین از صنعت سینما حمایت چندانی نمی‌کند و بیشتر این فیلم‌ها با بودجه‌های اندک و یا سرمایه کشورهای خارجی ساخته می‌شود. اما سینما در این کشور تجربه بهتری در مقایسه با تئاتر دارد و از محدودیت‌های دوران کمونیستی رها شده است. البته تئاتر بوسنیایی نیز با برگزاری جشنواره‌های متعدد مانند جشنواره «مس»، «جشنواره زمستانی» و یا جشنواره‌های متعدد استانی، فعالیت به نسبت خوبی دارد. تئاتر ملی در سال ۱۹۱۹م. در سارایوو تأسیس شد و اولین مدیر آن، نمایشنامه نویس معروف «برانیسلاو نوشیچ» بود. سینما و تئاتر بوسنیایی در رقابت با صربستان و کرواسی، ناگزیر به ارائه روایت هنری از جنگ است و در این زمینه رقابت جدی وجود دارد. ولی سینمای بوسنیایی چندان قدرت و اعتبار ندارد و نبود کارگردانان حرفه‌ای کاملاً به چشم آمدنی است. از این جهت تئاتر مشکلات کمتری دارد. مشکل تئاتر، بینندگان و مخاطبان کم آن است و اینکه رادیو و تلویزیون حمایت جدی از تئاتر ندارد.

اکنون برگزاری جشنواره‌های فیلم تابستانی سارایوو، جشنواره تئاتر مس، جشنواره زمستانی، جشنواره موسیقی جاز، جشنواره فیلم‌های مستند و ده‌ها جشنواره دیگر به بخش خصوصی واگذار شده است و دولت تنها تأمین‌کننده مالی بخشی اندک از هزینه‌های این جشنواره‌هاست. از این رو، این جشنواره‌ها به دلیل خصلت غیردولتی و نیاز به منابع مالی بیشتر، با نهادها و کشورهای غربی ارتباط وسیعی دارند. به عنوان نمونه، جشنواره تئاتر و فیلم از حمایت و پشتیبانی مالی و معنوی کشورهای

هنرهای تصویری

هنرهای تصویری در بوسنی همواره در حال تکامل بوده و از نوشته سنگ قبرهای مانده از قرون وسطی تا نقاشی‌ها در دادگاه کورتروماتییج در تغییر و تحول بوده است. اما تنها با ورود امپراتوری اتریش - مجارستان است که نقاشی در بوسنی و هرزگوین دوره رنسانس خود را می‌گذراند.

اولین هنرمندان تربیت شده در فرهنگستان‌های اروپایی در آستانه قرن بیستم ظهور کردند که از جمله آنها می‌توان به: «گابریل یوریچ»، «پتار تیبیه سیچ»، «کارلومیچ»، «شپروبتساریچ»، «پتار شاین»، «جوکومازالیچ»، «رومن پتروویچ» و «لازار درلایچا» اشاره کرد و بعدها هنرمندانی چون: «عصمت مویه زینویچ»، «ویوو دیمیتریه ویچ»، «ایوو شرمت»، «میتسا تودوروویچ»، و دیگران به منصفه ظهور رسیدند. بعد از جنگ جهانی دوم، هنرمندانی مانند: «ویرگیلیه نویستیچ»، «بکیر میسرلیچ»، «البوبو لاج»، «مها شفییچ»، «فرانیو لیکار»، «مرصاد بربر»، «ابراهیم لیوبویچ»، «جواد هوزو»، «عفان رامییچ»، «صفت زتس»، «ایسمار مؤذنویچ»، «محمد زعیموویچ»، جلب توجه عمومی کردند. موزه هنرهای معاصر ساریوو آثار هنرمندان معروف جهانی را در خود جای داده است.^۱

موسیقی

موسیقی در مناطق شهری منعکس‌کننده سنت اسلامی عثمانی است. ترانه‌ها همراه با موسیقی جاز و نوعی عود است. در مناطق روستایی موسیقی بیشتر متأثر از سنت اسلاوی است. «راوانا پیسما» نوعی آواز با صدای زیر با اندکی تفاوت است. گانگا

1. http://en.wikipedia.org/wiki/Culture_of_Bosnia_and_Herzegovina

نوعی آواز چند آهنگی است که صداهای آن شبیه فریاد است. سرودهای حماسی نیز همراه با ویولون خوانده می‌شود.

موسیقی «سودالیکا» یا عاشقانه، ترانه‌ای عاطفی و رمانتیک است که معمولاً توسط خانم‌ها و در سراسر بوسنی و هرزگوین اجرا می‌شود و دارای انعکاس فرهنگی قوی در کل کشور است. انواع گوناگونی از رقص محلی در میان مسلمانان بوسنی رایج است که به رقص‌های محلی صرب‌ها و کروات‌ها شبیه است. «ودران اسماعیلویچ» نوازنده ویولون سل در سارایوو است. آوازهای سنتی بوسنی و هرزگوین «گانا»، «درا» و شایع‌ترین و متداول‌ترین ترانه دوره عثمانی آواز «سودالینکاست». موسیقی پاپ و راک نیز در اینجا با معروف‌ترین موسیقیدان‌هایی چون: «داوورین پوپویچ»، «کمال مونته‌نو»، «زدراوکو چولیچ»، «یوهنی شتولیچ»، «ادوما‌آیکا»، «دینو مرلین» و «تومومیلیچویچ» جایگاه خودش را دارد. همچنین انصاف نیست اگر از بعضی آهنگسازان ماهر، مانند: «جرجه نوکویچ»، «اسد آرنائوتالیچ»، «کرنلیه کواچ» و بسیاری از گروه‌های ارکستر راک و پاپ: مانند: «بی یلودگمه»، «ایندکسی»، «زبران ینو پوشنیه» - که در یوگسلاوی سابق از سر دسته‌ها بودند - یاد نکنیم. آهنگ‌ساز معروف سازنده سرود ملی بوسنی و هرزگوین و پدر «ماریا شستیچ» خواننده و «ساشا توپریچ» پیانیست، آقای «دوشان شستیچ» است.^۱

هنرهای گرافیکی

در زمینه هنرهای گرافیکی و نموداری، فرش‌های پشمی سارایوو و موستار برای همه شناخته شده است. همچنین نفوذ فرهنگ ترکی - عثمانی در طرح‌های هندسی و رنگ‌های روشن این فرش‌ها مشهود است. خوشنویسی و کار روی فلزات و به‌طور

1. http://en.wikipedia.org/wiki/Culture_of_Bosnia_and_Herzegovina

کلی صنایع دستی نیز انعکاسی از تأثیر سبک هنر اسلامی بر کار این دسته از هنرمندان است. از گذشته سنت قلاب‌بافی با نخ ابریشمی، هنر زنان این سرزمین بوده است. صنایع دستی بوسنی و هرزگوین که بیشتر انعکاس فرهنگ اسلامی مردم این دیار است، یکی از جاذبه‌های جلب گردشگر در سارایووست.

هنرمندان گرافیست معاصر، متأثر از جنگ، با استفاده از گلوله‌های تفنگ، گلوله‌های خمپاره، شیشه‌های شکسته و سایر ضایعات چیزهای جالبی ساخته‌اند.^۱

هنر معماری

تقریباً ۴۲ درصد جمعیت در شهرهای بزرگ و کوچک زندگی می‌کنند. سارایوو که تقریباً در وسط این سرزمین در دره کوه‌های ایگمن و آلباشینا واقع شده، بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهر بوسنی و هرزگوین است و پایتخت کشور محسوب می‌شود. سارایوو، این مرکز فرهنگی و منطقه گردشگری بوسنی و هرزگوین، در زمستان ۱۹۸۴م. محل برگزاری بازی‌های المپیک زمستانی بود.

سارایوو در جنگ داخلی اوایل دهه ۹۵ به شدت تخریب شد. نمای شهر سارایوو قبل از جنگ، ترکیبی باطراوت و زیبا از ساختمان‌های بلند و آسمان‌خراش مدرن همراه با مساجد زیبا و بازار دارای معماری جذاب سنتی - اسلامی بود. زمان جنگ، صرب‌ها بسیاری از این ساختمان‌ها را به ویرانه تبدیل کردند. سارایوو علی‌رغم موقعیت دشوار آن بسیاری از پناهندگان دیگر شهرها را نیز در خود جای داده است. حتی در میان خرابی‌ها نیز نشانه‌هایی از گذشته زیبای شهر وجود دارد. مسجد غازی خسروبیگ که ساخت آن به قرن ۱۶م. برمی‌گردد، معماری متنوع و جذابی دارد. افزون بر مساجد، کلیساهای بزرگ و کوچکی در سارایوو هست که در زمان

1. Ibid

جنگ، کمترین آسیبی از سوی مسلمانان به آنها وارد نشد؛ در حالی که برای مردم مسلمان سارایوو توجه کافی برای این کار وجود داشت: آنها در زیر موشکباران دائمی قرار داشتند. شهر در محاصره بود، مواد غذایی به سختی وارد می شد و از این رو کمیاب و یا نایاب بود و امکانات گرمایشی در زمستان نبود؛ برق نبود؛ آب لوله کشی نبود؛ هر لحظه امکان قتل عام شدن از سوی صربها وجود داشت؛ صربها بزرگترین سرمایه های معنوی مسلمانان یعنی کتابخانه ملی را به آتش کشیده بودند و بسیاری از کتابهایی که تاریخ تمدن و هویت مسلمانان در این سرزمین را بیان می کرد، طعمه آتش کینه دشمنان آنها شده بود؛ بازار سارایوو زیر آتش خمپاره صربها بود؛ اما آنها نمونه ای از فرهنگ تحمل و احترام به اماکن مقدسی را که متعلق به قاتلان آنها بود در برابر چشم جهانیان به نمایش گذاشتند و به همگان ثابت کردند که تربیت شدگان فرهنگ اسلامی با فرهنگ و تمدن دشمنی ندارند، هرچند متعلق به دشمن در حال تخصص آنها باشد. با وجود این، دشمنان آنها در توجه نسل کشی می گفتند با بنیادگرایی اسلامی و تروریسم مبارزه می کنند!

در شهر سارایوو یک موزه تاریخ و یک گالری هنرهای ملی وجود دارد که دیدنی است. قبل از جنگ، خانه سازی در شهرها بیشتر به صورت آپارتمان با مصالح بتنی بود که بسیاری از آنها در طی جنگ خراب شد و آنچه باقی ماند نیز با وجود تلاش برای بازسازی آنها باز هم قابل سکونت نبود. به همین دلیل تا مدت ها پس از جنگ، مردم در واحدهای پرجمعیت زندگی می کردند. البته خانه های مناطق روستایی که تراکم کمتری داشت یا در خط مقدم جبهه نبود، کمتر آسیب دید. بیشتر خانه های روستایی کوچک و معمولاً از چوب و سنگ ساخته شده بود.

خانواده

ازدواج در بوسنی و هرزگوین اغلب بر مبنای آشنایی قبلی دختر و پسر و بسیار آسان و کم خرج است. وقتی دو طرف با ویژگی‌های اخلاقی یکدیگر کاملاً آشنا شدند و به یکدیگر علاقه‌مند شدند و به این نتیجه رسیدند که می‌توانند با هم زندگی مشترکی را آغاز کنند، به شهرداری مراجعه می‌کنند و به عنوان زن و شوهر خود را معرفی می‌کنند و در این اتفاق، معمولاً فامیلی دختر تغییر می‌کند و به تبع این ازدواج، فامیلی پسر را در شناسنامه او وارد می‌کنند. پسران و دختران مسلمان افزون بر این کار (که روال قانونی ثبت ازدواج است) از یک روحانی دعوت می‌کنند تا بین آنها خطبه عقد را جاری نماید و این کار همراه با یک جشن مختصر خانوادگی صورت می‌گیرد. براساس قانون، مهریه وجود ندارد، ولی خانواده‌های مسلمان مهریه مختصری را به صورت شفاهی در هنگام عقد اعلام می‌کنند، در عمل نیز کسی به آن اهمیتی نمی‌دهد. قبل از جنگ ۴۰ درصد ازدواج‌ها بدون توجه به مذهب اشخاص انجام می‌شد، ولی بعد از جنگ دیگر این وضعیت نادر است. با آنکه در اسلام چند همسری تصویب شده است، ولی در بوسنی این نوع ازدواج جز در یک منطقه تقریباً وجود ندارد، در هنگام عروسی معمولاً والدین عروس یک فرش دستباف به‌عنوان جهیزیه به او می‌دهند. خود دختر و پسر باید وسایل ضروری زندگی مشترک را خریداری کنند. اغلب خانواده‌ها کم جمعیت و حداکثر چهار نفره است. بعد از جنگ اگر اوضاع اقتصادی خانواده‌ها اجازه دهد، مسلمانان مایلند فرزندان بیشتری داشته باشند.

در بوسنی نظام خانواده، پدرسالار است و در بسیاری از امور تصمیم با مردان است. در مناطق روستایی بسیاری از زنان غیر از خانه در مزارع نیز کار می‌کنند، بسیاری از زنان شهری در بیرون خانه نیز کار می‌کنند، ولی حقوق و جایگاه آنها از

وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی مسلمانان بوسنی و هرزگوین ■ ۶۳

مردان پایین تر است. در مهمانی های کوچک و بزرگ، خانم ها پذیرایی را برعهده دارند و معمولاً امور خانه داری، آشپزی و کارهای داخل خانه بر عهده بانوان و دختران است، ولی کارهای فنی را مردان انجام می دهند. بوسنیایی ها بسیار مهربان و مهمان نواز هستند و یکی از تفریحات آنها دید و بازدید از اقوام و دوستان است و معمولاً هنگام مهمانی رفتن با خود هدیه ای مختصر برای میزبان می برند. در هنگام مرگ و میر تشییع جنازه اهمیت زیادی دارد و بلکه مهمترین برنامه برای بزرگداشت متوفی است؛ به همین دلیل معمولاً میت را فوراً دفن نمی کنند، بلکه مراسم تشییع و کفن و دفن، یکی دو روز پس از فوت وی و بعد از اطلاع رسانی کافی در میان نزدیکان و دوستان انجام می گیرد. پس از اتمام مراسم کفن و دفن که با حضور چند نفر افندی (روحانی) برای انجام نماز میت و خواندن دعا و فاتحه برای میت دعوت می شوند، به بازماندگان درجه یک میت با عبارت ترکی «باشون ساقلسن» تسلیت می گویند و آنگاه آنها را تا منزل همراهی می کنند. آنها هم از مهمانان پذیرایی می کنند. خانم ها معمولاً در تشییع جنازه شرکت نمی کنند و در مسجد یا منزل متوفی مراسم دعا برگزار می کنند.

خوراک و پوشاک

غذای روزانه مردم در این کشور ترکیبی از سبک آشپزی ترکی و اروپای شرقی است. از جمله: گوشت کباب با تزینات کلم، غذایی به نام بوسانسکی لوناتس (که ترکیبی از کلم و تاس کباب گوشت است) چوابچیچی نیز سوسیس گوشت گوسفند است که اغلب با نانی گرد و پهن به نام سمون خورده می شود. غذای حاضری به نام پیتا که انواع و اقسامی از قبیل: پیتای گوشت، پیتای سبزی، پیتای سیب زمینی، پیتای پنیر دارد و هر کدام از این پیتاها یک اسم مخصوص دارد. شیرینی بعد از غذا مرسوم

است و دو شیرینی ترکی تفاحیه و باقلوا، طرفدار زیادی دارد. نوشیدنی گرم اغلب مردم، قهوه است و چای در بین صوفیان بیشتر رواج دارد. بسیاری از مردم همراه با نوشیدن قهوه معمولاً سیگار نیز می‌کشند. ولی نوشیدن قهوه و کشیدن سیگار برای افراد زیر هجده سال پسندیده نیست. مردم بویژه جوانان به زیبایی ظاهری و شیک بودن لباس اهمیت زیادی می‌دهند. دختران و زنان جوان اغلب متأثر از فرهنگ غربی لباس می‌پوشند؛ اما تعداد خانم‌های محجبه نیز بویژه در سارایوو محسوس است.

جشن‌های اصلی مسلمانان جشن عید فطر، قربان و میلاد پیامبر(ص) است. مدتی است که در سال‌های اخیر پس از جنگ، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا(س) نیز اجتماع بزرگی در ورزشگاه سارایوو تشکیل می‌شود و به خواندن سرودهای مذهبی که «الهیة» نام دارد، می‌پردازند. در اعیاد مذهبی دید و بازدید از خانه اقوام و دوستان و پوشیدن لباس‌های نو مرسوم است؛ افزون بر این اعیاد، جشن‌های ملی و عمومی دیگری در بوسنی و هرزگوین وجود دارد که بیشتر، بین اقوام مختلف مشترک است که عبارت است از: تعطیلات سال نو در آغاز ژانویه، روز جمهوری یعنی روز نهم ژانویه برای صرب‌ها و بیست و پنجم نوامبر برای فدراسیون مسلمان - کروات، روز اول مارس روز استقلال، پانزدهم آوریل روز ارتش، اول ماه می روز کارگر و چهارم ماه می، روز پیروزی.

نقش نهادهای غیر دولتی در فرهنگ بوسنی و هرزگوین

بوسنی از نظر تعداد نهادهای غیر دولتی دارای آمار زیادی است، ولی از میان صدها نهاد فرهنگی که مجوز فعالیت دارند، تعداد محدودی از آنها در عرصه فرهنگ فعالند. نهادهای فرهنگی فعال در بوسنی را می‌توان به دو نوع بومی و خارجی، تقسیم بندی کرد. در بخش نهادهای فرهنگی فعال باید از مؤسسه‌های: پرپورود، مؤسسه

وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی مسلمانان بوسنی و هرزگوین ■ ۶۵

فوروم بوسنا، انجمن روشنفکران بوشنیاک، جشنواره فیلم ساریوو، جشنواره زمستانی، جشنواره تابستانی موسیقی، جشنواره جاز، جشنواره تئاتر مس، انجمن قلم، انجمن موسیقی سودالینکا، کانون نویسندگان بوسنی و هرزگوین و تعداد دیگری نام برد. این نهادهای غیردولتی وابسته به کمک و حمایت دولت و یا کشورهای خارجی است که برنامه کاری مشخصی دارد و به سهم خود در امر فرهنگ، فعالیت می‌کنند. از بین نهادهای خارجی فرهنگی باید از مؤسسه گوته، مؤسسه کونراد آدنائو، مؤسسه فرهنگی آندره مالرو، کنسول فرهنگی بریتانیا، رایزنی فرهنگی ترکیه، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، بنیاد ملاصدرا و مؤسسه علمی / پژوهشی ابن سینا و... نام برد.

انجمن گوته، آندره مالرو و کنسول فرهنگی بریتانیا حضور جدی در جشنواره‌های فیلم، تئاتر و کتاب بوسنی و هرزگوین داشته و در مواردی از قبیل: راه‌اندازی مجله، اعزام دانشجویان به کشورهای متبوع، راه‌اندازی کلاس‌های زبان، ارائه فرصت‌های مطالعاتی و تحقیقی برای استادان و دانشجویان، تبادل‌های فرهنگی گوناگون و... فعالیت دارد. مؤسسه کنراد آدنائو، در زمینه برگزاری همایش‌ها و گفتگوها در مواردی چون آموزش گفتگوهای دینی / فرهنگی فعالیت می‌کند و نقش جدی‌تری در مقایسه با سایر مؤسسه‌ها دارد.



پژوهشگاه بزرگ فرهنگ و هنر
دانشگاه تهران

تهران - خیابان ولی عصر (ع) - خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۲-۱۳۱۵۵ | تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۲-۲

www.ricac.ac.ir